

توفان الکترونیکی

نشریه الکترونیکی حزب کارگران (توفان)



پرولتاریای جهان و خلق‌های ستمدیده متحد شوید!

شماره ۲۰۳ خرداد ۱۴۰۲

فهرست مطالب

- ۲ آب رفته هرگز به جوی بازمی‌گردد.....
- ۴ سایه سنگین گرانی فروردین بر روی افزایش دستمزدها.....
- ۵ سخنی در مورد اعتراض کارگران «معدن چادرملو».....
- ۶ فقر و شکاف طبقاتی و ادامه سیاست‌های نئولیبرالی در ایران.....
- ۷ در جبهه نبرد طبقاتی اخبار، گزارشات و اعتراضات کارگری در اردیبهشت ماه ۱۴۰۲.....
- ۱۲ گزارش تجمع صنفی فرهنگیان کشور، در ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۲.....
- ۱۳ پیرامون توافقنامه ساخت راه آهن رشت - آستارا.....
- ۱۵ به مناسبت سی و ششمین سالگرد ترور جنایتکارانه رفیق «حمید رضا چیتگر (بهمنی)».....
- ۱۶ نقدی بر «منشور مطالبات حداقلی تشکلهای مستقل صنفی و مدنی ایران» (بخش سوم).....
- ۱۸ گزارشی از فعالین حزب کار ایران (توفان) به مناسبت اول ماه مه در کشورهای مختلف.....
- ۲۰ سخنی پیرامون امکانات حقوقی و حقیقی در نظام سرمایه‌داری.....
- ۲۱ «روز نکبت»، سیاه‌ترین روز تاریخ فلسطین.....
- ۲۳ همه با هم! «اسد باید برود!!» اما بعد چه شد؟.....
- ۲۳ «بیانیه اجلاس جده»؛ توافق درباره ضرورت همبستگی برای حل مسائل کشورهای عربی.....
- ۲۴ فرخنده باد هفتاد و هشتمین سالروز پیروزی بر فاشیسم.....
- ۲۵ جنایات ناتو علیه بشریت.....
- ۲۷ اطلاعیه دریافتی از رفقای ایران.....
- ۲۷ دموکراسی دیکتاتوری!.....
- ۲۸ ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده.....
- ۳۰ گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش.....
- ۳۱ پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام.....



آب رفته هرگز به جوی باز نمی‌گردد

شکست خورده و در حال افول تبدیل شده است. اما با این وصف بوق پیروزی سر می‌دهد و بر طبل جنگ می‌کوبد، تا مشکلات ناشی از تورم، گرانی و بحران‌های عمیق اجتماعی‌اش را از اذهان مردم آمریکا مخفی نگهدارد. اوضاع بحرانی و تشدید تضادهای حل‌نشدنی جامعه آمریکا، دموکرات‌ها و جمهوری خواهان را به جان هم انداخت و هر یک آن دیگری را مسئول وضعیت نابسامان موجود متهم می‌کند و برای یکدیگر خط و نشان می‌کشند! با اینکه می‌دانند بازی را باخته‌اند، اما ابلهانه در تلاش‌اند تا تاریخ را به عقب برگردانند و همانند جنگ دوم جهانی یکبار دیگر اروپا را از طریق اوکراین درگیر جنگ با روسیه نمایند، به این امید شاید از این نمذ برای خود کلاهی بدوزند!

در ایران هم ما شاهد نیروهای مرتجعی هستیم که در پی بازگرداندن آب رفته از جوی هستند!
«شاه‌اللهی»ها، «حزب‌اللهی»ها، عبا و عمامه‌داران غرق در حدیث و روایت و ورشکستگان سیاسی خارج و داخل، از این زمره‌اند!

اولی‌ها می‌خواهند رژیم گذشته پهلوی و تا مغز استخوان وابسته به غرب را از زباله‌دان تاریخ بیرون آورند و چهره نوکر صفت «رضاپهلوی» کودتازاده را با کلمات «دموکرات و آزادی‌خواه» بزک کرده و به «جامعه جهانی»، یعنی آمریکا و چند تا کشور اروپایی، به عنوان یگانه «آلترناتیو» مورد قبول سرمایه داری جهانی معرفی نمایند، بلکه آب رفته به جوی بازگردد و ایران را دوباره تسلیم غربی‌ها نمایند!

دومی‌ها هم در این چهل و چند سال با نفرت پراکنی قلب‌ها را تیره کردند، تا زنان و نسل جوان ایرانی را مطابق تعالیم کهنه‌پرستان برآمده از سرداب‌های تاریخ قرون وسطی، با چماق و قمه و با

در گذر زمان، افراد و نیروهائی بودند و هنوز هم هستند که با تمام قوا تلاش می‌کنند تا با دروغ و فریبکاری و با خشونت و زور و با جنگ و خونریزی، تاریخ را به عقب برگردانند! اینگونه افراد و گروه‌ها را مرتجع، کهنه‌پرست، طرفدار آداب و سنن قدیمی، ضد تجدد و در عالم سیاست، ارتجاعی می‌نامند.
به چند نمونه اشاره می‌کنیم.

«موسولینی» با افکار ارتجاعی‌اش می‌خواست تاریخ روم باستان را زنده نگاه دارد و آن را الگوی خود قرار دهد که توسط مبارزین ایتالیائی دستگیر و اعدام شد. «هیتلر» فاشیست هم به دنبال «نژاد برتر آریایی» و حکومت «رایش هزارساله» بود که ماشین جنگی او هم به دست ارتش سرخ شوروی، به رهبری «استالین» بزرگ منهدم شد و خودکشی کرد.

بریتانیای کبیر، که سعی داشت ابر قدرتی‌اش را، بویژه در قرن ۱۹ میلادی، حفظ کند، به بریتانیای «صغیر» تبدیل شد و در مجلس عوام و اعیان‌اش در حسرت آفتاب افول کرده در مستعمرات خویش، آوای وحش سر می‌دهد.

امپریالیسم آمریکا، که در همین سال‌های نزدیک بعد از جنگ دوم جهانی، بویژه بعد از فروپاشی «اتحاد شوروی»، مبارز می‌طلبید و برخلاف روند تکاملی تاریخ، جهان را زیر سیطره خود می‌خواست و در این هدف شوم‌اش بشریت را با جنگ و کشتار گرفتار غم و اندوه بی‌پایان کرد، چنان رو به ضعف نهاد که به کشوری با اقتصادی در حال فروپاشی، تورمی از کنترل خارج شده و سیستمی

اسیدپاشی و گشت ارشاد، به دوران قاجار و به زمان خلافت خلفای صدر و ذیل اسلام برگردانند!

سوم ها، یعنی لشکر یاجوج و ماجوج عمامه‌داران شیعه و ذوب در حدیث و روایت‌های عهد عتیق و جدید هم سالها در تلاش بازگشت به گذشته‌اند! جماعتی که قرن‌ها انگل‌واره زیستند و دیگران کاشتند و آنها خوردند و با افکار پوسیده و عقب‌مانده خویش بر این باورند که خود بر «حق» و بر صراط مستقیم‌اند و الباقی مردمان شرق و غرب عالم، باطل و گمراه‌اند! با افکار ارتجاعی‌شان، تساوی بین زن و مرد و مسلمان و غیر مسلمان و مساوات و برابری بین انسان‌ها را قبول ندارند و قرن‌ها مروج کینزداری و غلام‌پروری و برده‌داری بودند! از ابتدای انقلاب ۵۷ و با سوءاستفاده از ناآگاهی و صداقت مردم خوب و شریف ایران، چهار اسب بر فرهنگ و تمدن هزاران ساله و بر خان و مان ایرانیان تاختند و با حماقت تاریخی‌شان چنان عرصه را بر ملت تنگ کردند، تا جائی که به گفته حافظ: «مزاج دهر تبه شد از این بلا»!

لذا مردم ایران به خشم آمدند و بر طبق قانون تکاملی تاریخ، سر سلسله بزرگ عمامه‌داران را که خود در ابتدای انقلاب به امید رهائی از ستم پهلوی‌ها و به عشق سخنان و وعده‌های رهبر انقلاب در زمینه آزادی، عدالت و رفاه اجتماعی، او را به اوج آسمان‌ها برده و چهره‌اش را در ماه می‌دیدند، از گره ماه پایین آوردند و در کف خیابان‌ها، روز و شب و در کوی و برزن و در هر مجلس و محفلی به محاکمه کشیدند.

چهارمی‌ها، ورشکسته‌گان سیاسی خارج‌نشین، اعم از سلطنت‌طلبان رنگارنگ، محافل تجزیه‌طلب کرد و ترک و عرب و بلوچ، تروریست‌های فرقه رجوی و «چپ‌های واداده و پشت به خلق کرده و سلیطه‌های سیاسی دریده به ریاست «معصومه علی‌نژاد» مزدور هم با تلاش‌های مذبوحانه و با توسل به هرکس و ناکسی، از آمریکا گرفته تا اروپا، تلاش دارند که آب رفته را به جوی بازگردانند! این جماعت، یا از روی انتقام‌گیری و یا به عشق اسکناس‌های تانخورده دلاری، ملت‌سانه از غارتگران و دزدان بین‌المللی تقاضای دارند تا سپاه را تروریست بخوانند و علیه ایران تحریمات هرچه بیش‌تری مقرر کنند و یا از روی بی‌سوادی سیاسی و با طرح شعارهای به‌دردنخور مثل؛ «... آری به حکومت سکولار دموکرات»، روز و شب قلم می‌زنند و سخن‌پراکنی می‌کنند! تو گوئی که میلیون‌ها مردم رنج‌کشیده و آخوندزده و گرفتار نان سفره خانواده و کمر به زیر بار گرانی خم کرده، برای «حکومت سکولار دموکراتیک» پیشنهادی «حزب چپ ایران (فدائیان خلق)» رقص و پایکوبی می‌کنند! کسی نیست به این خرده بورژواهای مرفه بی‌درد بگوید که

حکومت «سکولار دموکراتیک» شما چه نوع حکومتی است؟ از نوع سوسیال دموکراسی اروپائی است و یا شبیه رژیم «سکولار» پهلوی، ترکیه، اندونزی و فیلیپین است؟ «دموکراسی» پیشنهادی شما چگونه دموکراسی است؟ کارگری است یا از نوع بورژوازی و یا دموکراسی «بازار آزاد» و یا از نوع «ائتلاف همگانی» و به عبارتی، ائتلاف هفته بیجاری، اخیرتان است؟

و بالاخره **پنجمی‌ها،** سیاستمداران غرب‌گرای داخلی، چاکران و آستان بوسان اقتصاد «نئولیبرالیسمی» غرب، از رؤسا و معاونین وزارت امور خارجه گرفته تا گردانندگان لانه فساد، موسوم به «اتاق بازرگانی» تا بازاریانی که کالاهای وارداتی را با پانصد درصد سود عرضه می‌کنند تا مدیران و رؤسای ده‌ها بانک خصوصی رانت‌خوار و فاسد هم بمانند دیگر نیروهای واپسگرا در حفظ وضع موجود و مطامع غربی‌ها و به ضرر منافع ملت ایران در تلاش‌اند و موافق جهان تک‌قطبی و مخالف هرگونه تغییر و تحول جهانی به سمت نظم چندقطبی و در ضدیت بیمارگونه و نه از روی دلیل و منطق علیه چین و روسیه، در نشریات و فضای مجازی‌شان هرگونه پرت و پلائی را چاپ و نشر می‌دهند.

به جرأت می‌توان گفت که تمامی گروه‌های فوق، با همه دنباله‌روان‌شان، شاید ده درصد جمعیت ایران را تشکیل دهند! اما حدود هشتاد درصد از جامعه ایران، از کارگران و زحمتکشان و روزمزدبگیران گرفته تا معلمان، زنان، کارمندان، دانشجویان، بازنشستگان و کشاورزان و غیره برای احقاق حقوق حقه خود، برای آزادی و عدالت و برای رهایی از ظلم و بی‌داد و بی‌داد برای استقرار یک حکومت ملی، مردمی و مستقل، سال‌ها و بی‌وقفه در حال جوش و خروش‌اند. مردم ما در این عرصه پیکار نابرابر، برغم نداشتن تشکیلات، فقدان رهبریت حزب راستین و قوی کارگری و نبود رهبری مورد وفاق همگانی، دست‌آوردهای شگفت و شگرفی به‌دست آوردند و در عرصه‌های هنر، ادبیات، سینما، موسیقی، شعر، آزادی از حجاب اجباری و نوع پوشش، رهایی از بند دین و مذهب و خرافات (سکولاریسم) حداقل پنجاه سال جلوتر از رژیم سرمایه‌داری ارتجاعی و اسلامی حاکم هستند. در این سال‌های سیاه حاکمیت مَلاهای هفت خط، ملت ایران چنان سیاسی و آبدیده شدند که برای بیگانگان و بیگانه‌پرستان، برای مزدوران غرب‌گرا، برای مفسدان اقتصادی و حامیان سیاست‌های خانمان‌برانداز «نئولیبرالیسمی»، برای سخنان «روشنفکران» پُرگو و پُرمدعای خارج و داخل تره هم خورد نمی‌کنند. خردِ جمعی‌شان مانند آتش زیر خاکستر عمل می‌کند و در انتظار موقعیت و شرایط مناسب‌اند و از هرگونه هوچی‌گری و هارت و پورت اجنبی‌پرستان مزدبگیر هم بیزارند.

«هم به چنبرگذار خواهد بود - این رسن را اگر چه هست دراز»*



سایه سنگین گرانی فروردین بر روی افزایش دستمزدها

در شرایطی که افزایش حقوق و دستمزد، برای کارمندان، کارگران و بازنشستگان در سال جاری، کمتر از سی درصد است (۲۷ درصد برای کارگران، ۲۰ درصد برای کارمندان)، در همین ماه اول سال، تورم برخی اقلام و کالاها از ۵۰ درصد هم بیش تر شده و در همین یکماه، مردم باز هم فقیرتر شده‌اند. این بدین معناست که در ماه‌های آتی شاهد افزایش شکاف دستمزد و هزینه و همچنین فقیرتر شدن مردم خواهیم بود.

به گزارش نشریه «مردم‌سالاری آنلاین»، بر اساس آخرین آمار اعلام شده توسط بانک مرکزی، که مربوط به اسفندماه سال گذشته است، شاخص قیمت خوراکی و آشامیدنی در اسفندماه گذشته ۸۱ درصد نسبت به اسفند ۱۴۰۰ رشد کرده بود. رشد قیمت پوشاک، کیف و کفش، مسکن، آب و برق و گاز، حمل و نقل، ارتباطات و امور فرهنگی هم در اسفند ۱۴۰۱ نسبت به اسفند ۱۴۰۰، بالای ۵۰ درصد بود. اما رشد قیمت‌ها در اسفند متوقف نشده و در فروردین امسال با رشد بیش تری همراه بوده است. اگرچه آمار رسمی تورم فروردین، در هفته‌های آتی اعلام می‌شود، اما شواهد حکایت از آن دارد که در همین روزهای گذشته از سال جدید، شاهد رشد شتابان قیمت‌ها بوده‌ایم. این در حالی است که رهبر انقلاب، سال جدید را «سال رشد تولید و مهار تورم» نامگذاری کرده‌اند و انتظار این بود که دولت در مهار تورم تدابیر جدی‌تری بیندیشد، اما در عمل همان روند شتابان رشد تورم، که در سال‌های گذشته شاهد بودیم، در فروردین امسال نیز ادامه پیدا کرده است. افزایش رسمی قیمت خودرو بین ۳۰ تا ۷۰ درصد، مهم‌ترین رشد رسمی قیمت‌هاست که از حقوق و دستمزدها سبقت گرفته و ناکارایی میزان افزایش دستمزدها در سال ۱۴۰۲ را به تنهایی اثبات کرده است. مواد غذایی و تعرفه‌های آب و برق و گاز هم بر اساس آنچه «جلال محمودزاده»، نماینده مهاباد در مجلس، خطاب به رئیس

جمهوری اعلام کرده، بین ۳۵ تا ۷۰ درصد رشد کرده‌اند که این هم بالاتر از رشد دستمزدهاست. در بخش مسکن و اجاره بها هم شواهد از افزایش قیمت‌ها حکایت دارد و افزایش قیمت مسکن همواره نقش مهمی در افزایش تورم دارد. اما برنامه دولت برای ساخت ۴ میلیون مسکن، عملیاتی نشده و حتی «مهرداد بذریاش»، وزیر راه و شهرسازی جدید دولت رئیسی، همانند معاون اول رئیسی - م‌خبر - اعتقاد چندانی به ساخت ۴ میلیون مسکن توسط دولت ندارد که همین امر زمینه را برای رشد بیش تر قیمت مسکن فراهم می‌سازد. این در حالی است که «ابراهیم رئیسی» صرفاً به دستور دادن بسنده کرده و این دستورات به نتیجه مثبتی هم منجر نشده‌اند.

به عنوان مثال مهر ماه سال گذشته دستور داد تا «کمیته رصد تورم برای کنترل رشد تورم» تشکیل شود، اما بدون آنکه گزارشی از عملکرد آن کمیته و نتایج فعالیت‌های آن ارائه شود، در فروردین امسال دستور جدیدی برای تشکیل «کارگروه رصد و جلوگیری از اقدامات تورم‌زا» صادر کرد که البته با توجه به تجربیات گذشته، سرنوشت این دستور هم مشخص است! مروری بر روند ۲۵ ساله تورم در ایران نشان می‌دهد فقط در دوران هشت ساله ریاست جمهوری «سیدمحمد خاتمی» شاهد تورم بین ۱۰ تا ۱۵ درصد بوده‌ایم و در آن دوره هیچگاه نرخ تورم از ۱۵ درصد فراتر نرفت. در حالی که در سایر دولت‌ها، حداقل در یک مقطع زمانی شاهد تورم بالاتر از ۳۰ درصد بوده‌ایم. در دولت «روحانی» نیز در دوران پسابرجام شاهد تورم تک‌رقمی بودیم که اتفاق بسیار مثبتی بود که البته تداوم نداشت. اما در دولت «رئیسی» نرخ تورم از ۴۰ درصد پایین تر نیامده و با روند فعالی، امیدی به کنترل روند صعودی آن هم نیست. بویژه با توجه به اینکه زمزمه‌های افزایش قیمت برخی حامل‌های انرژی هم در سال جاری به گوش می‌رسد و این موضوع می‌تواند مانع از کنترل نرخ تورم شود. صندوق بین‌المللی پول نیز در جدیدترین گزارش خود تورم ۴۲/۵ درصدی را برای اقتصاد ایران در سال ۲۰۲۳ پیش‌بینی کرده که اگرچه کاهش است، اما همچنان جزو ارقام بالای تورم در جهان است و بین ۲۰ تا ۲۵ درصد بالاتر از رشد حقوق و دستمزد در سال جاری است. نکته مهم این است که تورم و افزایش قیمت، غالباً شامل مواد غذایی و خوراکی می‌شود و به همین دلیل تورم مواد خوراکی بیش از سایر اقلام است و با توجه به نیاز عموم مردم به این اقلام، تورم این کالاها نقش مهمی در کاهش قدرت خرید مردم دارد. کما اینکه بر اساس گزارشی که ایسنا منتشر کرده، براساس مشاهدات میدانی از مغازه‌های سطح شهر تهران قیمت هر کیلو گوجه فرنگی در روزهای اخیر ۲۴ تا ۲۶ هزار تومان شده است که افزایشی بیش از ۷۰ درصدی را نشان می‌دهد. بنابراین با توجه به این که تورم اقلام خوراکی به مراتب بالاتر از میانگین نرخ تورم است، فاصله بین تورم مواد غذایی و افزایش دستمزد و حقوق کارمندان، کارگران و بازنشستگان به حدی است که قطعاً در سال جدید مشکلات اقتصادی و معیشتی خانواده‌های حقوق بگیران و بازنشستگان را بیش تر خواهد کرد.

کارگران چاره‌ای جز ادامه اعتراض ندارند و رمز موفقیت رنجبران وحدت و تشکیلات است.*

نیاز به ۱۷، ۱۸ میلیون تومان حقوق ماهانه دارد؛ با کم‌تر از این اصلاً نمی‌شود زندگی کند؛ با کمتر از این، لااقل در کلانشهرها، کارگر باید برود توی خیابان چون سرپناه هم نمی‌تواند تأمین کند. با در نظر گرفتن پول پیش، امروز اجاره‌خانه در کلانشهرها کم‌تر از ۸ میلیون تومان نیست، آنهم در یک زندگی کاملاً فقیرانه و در مناطق پایین شهر....».

«معدن چادرملو» در استان یزد واقع است و از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان سنگ آهن فشرده در ایران است و برای واحدهایی مانند صنایع فولاد مبارکه و ذوب آهن اصفهان خوراک تولید می‌کند. لازم به یادآوری است که کارگران پیمانکاری بخش حمل‌ونقل و خدمات شهرداری ایلام نیز یکشنبه ۳۱ اردیبهشت و دوشنبه اول خرداد مقابل شهرداری تجمع کردند. این کارگران دو ماه است دستمزد نگرفته‌اند.

ما بارها نوشته‌ایم که «نئولیبرالیسم» قریب به چهاردهه است که سلطه‌اش را بر جامعه کارگری اعمال می‌کند و همچنان سیاست حاکم بر زندگی در ایران است. باز هم موضوع قوانین و مقررات‌زدایی از روابط و مناسبات کارگری - کارفرمایی (اعم از کارفرمایان دولتی یا خصوصی) به چالشی آگاهانه از سوی سرمایه‌داری ایران کشیده شده است. این چالش از سوی دولت سرمایه و نهادهای رسمی و غیررسمی و به اعتبار و پشتوانه مجلسی است که فاقد کم‌ترین وجهت نمایندگی از سوی مردم به ویژه کارگران و زحمتکشان است! چرا که در این مجلس هیچ فردی و گروهی از جانب کارگران و زحمتکشان آنها را نمایندگی نمی‌کند و این نبود نمایندگان طبقات محروم در قانونگذاری و نظارت بر اجرای قانون، همواره در دوره‌های مختلف مجلس شورای اسلامی وجود داشته است و در بهترین حالت تنها با وجود تعداد انگشت‌شماری از نمایندگان منتسب به کارگران قدرت و اراده‌ی دفاع از منافع کارگران را نداشته‌اند، گاهی اقدامی برای خالی نبودن عریضه صورت گرفته است.

امروزیکی از مسائل مهم کارگران، معضلی به نام «امنیت شغلی» است. بی‌تردید «قرارداد موقت»، برده‌داری نوینی است که هر روز بر تعداد آن افزوده می‌شود و می‌توان گفت که دیگر تبدیل به یک قانون نانوشته شده است! «قرارداد موقت» یکی از اشکال اعمال نئولیبرالیسم برای به زانو درآوردن کارگر، تهدید به اخراج، گرسنگی، انشعاب و پراکندگی در صفوف طبقه کارگر است. خواست «استخدام دائمی» و «امنیت شغلی» خواست عموم کارگران است که سالهاست برای آن پیکار کرده‌اند و این مبارزه ادامه دارد.

در شرایط کنونی سندیکا / اتحادیه مستقل کارگری مناسب‌ترین ظرف تشکیلاتی برای تحقق مطالبات صنفی کارگران است. بدون چنین تشکیلاتی در محل کار و آن هم به طور سراسری امکان تحقق مطالبات صنفی ضعیف است. باید از شعارهای زودرس و انحرافی «اداره شورایی» پرهیز نمود و برای تشکیل سندیکای مستقل، سندیکایی که بتواند وسیع‌ترین لایه‌های کارگری را برای حقوق صنفی خود متشکل سازد، متحد شد. زنده باد رزم متحد کارگران معدن چادرملو!*



سخنی در مورد اعتراض کارگران «معدن چادرملو»

در دو روز نخست خردادماه، کارگران چند واحد تولیدی و خدماتی با خواست افزایش دستمزد، راه‌اندازی تولید، پرداخت حقوق معوقه، امنیت شغلی، و بازگشت به کار همکاران اخراجی‌شان، دست از کار کشیدند. در هفت‌تپه هم تعدادی از جوانان بیکار با تجمع مقابل نیشکر هفت‌تپه خواستار کار شدند. اعتصاب تعمیرکاران پیمانی «معدن چادرملو»

اعتصاب تعمیرکاران پیمانی «معدن چادرملو» که چند روز پیش آغاز شد، ادامه دارد. کارگران به پایین بودن سطح دستمزد، ناکارآمدی بیمه درمانی و عدم امنیت شغلی معترض‌اند.

اولین خبر درباره اعتصاب کارگران تعمیرات و نگهداری «معدن چادرملو» روز جمعه ۲۹ اردیبهشت در فضای مجازی منتشر شد. پنج روز پس از انتشار نخستین خبر خبرگزاری دولتی کار ایران «ایلنا» سه‌شنبه، دوم خرداد، به نقل از کارگران نوشت: «ما کارگران پیمانکاری، که کارمان در این شرکت، تعمیر و نگهداری است و تعدادمان حدود دو هزار نفر است، در سخت‌ترین شرایط با کم‌ترین حقوق و امکانات و غالباً دور از خانواده کار می‌کنیم؛ این شرایط باید تغییر کند.»

کارگران از طریق شرکت پیمانکاری «آسفالت طوس» در «معدن چادرملو» کار می‌کنند. آنها گفته‌اند «با افزایش مزد امسال، نصف هزینه‌های زندگی هم تأمین نمی‌شود.»

کارگران «چادرملو» سابقه طولانی دارند در امر اعتراض و مبارزه بمنظور بهبود شرایط کار، اعتراض به سطح نازل دستمزدها و بهره‌کشی پیمانکاران. خواست عمده کارگران افزایش دستمزد و امنیت شغلی است. آنها بارها در اعتصاب و تجمع خانواده‌هایشان را نیز همراه داشته‌اند. در ماه‌های پایانی سال ۱۴۰۱ و حین مذاکرات شورای عالی کار بر سر حداقل دستمزد یک کارگر «چادرملو» درباره حداقل دستمزد گفته بود:

«باید بگویم الان یک خانواده برای یک زندگی بسیار ابتدایی



فقر و شکاف طبقاتی و ادامه سیاست‌های نئولیبرالی در ایران

«مجید حسینی»، جامعه‌شناس مطرح و منتقد ساختار سرمایه‌داری در گفت‌وگویی که پیش از این با برنامه «دسترنج» داشته، سیاست‌های سرمایه‌داری (لیبرالیستی) جمهوری اسلامی را عامل فقر و تبعیض مردم دانسته و از پدید آمدن طبقه‌ای فرودست سخن گفته است. بسیاری از سخنان «مجید حسینی»، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه ایران در خصوص علل فقر، شکاف طبقاتی و فاصله‌گیری حکومت از آرمان‌های انقلاب بهمن و عروج نئولیبرالیسم تحت رهبری «هاشمی رفسنجانی» درست است، اما وی به خاطر ملاحظاتی راه حلی برای برون رفت از این وضعیت ناهنجار اقتصادی و اجتماعی ارائه نمی‌دهد، ولی تا همین حد هم که به تحلیل مشکلات می‌پردازد، و حکومت سرمایه‌داری را به شلاق می‌گیرد، مثبت است. ضمناً ایشان در این گفتگو تعریفی از «کارگر» ارائه می‌دهد که کاملاً انحرافی است. بنابر «مجید حسینی» هر کس کار می‌کند و فاقد قرارداد دائم است «کارگر تعریف می‌شود. طبق این تعریف در ایران ۷۰ میلیون کارگر داریم!»

«کارگر» از منظر مارکسیسم و نظریه مارکس، در رابطه با کار مولد و نامولد و تولید و عمدتاً کار یدی و نیروی فروش کار و فاقد ابزار تولید بودن، تعریف می‌شود و در اصل این تعریف برغم اتوماتیزاسیون و افزایش کار غیریدی در میان طبقه کارگر، عوض نشده و تأییدی است بر نظر مارکس.

طبقه کارگر یک طبقه اجتماعی است که از افرادی تشکیل می‌شود که در مشاغل و محیطی کار می‌کنند که عمدتاً نیاز به نیروی بدنی و کار دستی در تولید دارد. طبقه کارگر را بر پایه سطح مهارت تقسیم‌بندی می‌کنند. از جمله لایه کارگران متخصص و ماهر، که اعضایش از دید درآمد، شرایط کار و تأمین شغلی بر دیگر کارگران برتری دارند. اگرچه برخی مهارت‌ها در جریان

اتوماتیزاسیون و پیشرفت‌های فناوری اهمیت خود را از دست داده است؛ شرایط اقتصادی کارگران ماهر بیش از دیگر کارگران است. کارگران ماهر، معمولاً از ثبات شغلی برخوردارند و دوره بیکاری آنها کوتاه‌تر است.

طبقه کارگر پایین از افرادی تشکیل شده که در مشاغل غیرماهر و نیمه ماهر، که به آموزش اندکی نیاز دارد، اشتغال دارند. تأمین شغلی در بیش‌ترین مشاغل کم‌تر از مشاغلی است که نیاز به مهارت دارند. این کارگران معمولاً از ثبات شغلی برخوردار نیستند و طول مدت بیکاری آنها بیش‌تر است. مشاغل طبقه کارگر از لحاظ تمام وقت یا پاره وقت بودن و میزان تأمین شغلی، که کارگران از آن برخوردارند؛ فرق می‌کنند. بخش‌ها و حوزه‌های مرکزی بخش‌هایی هستند که کارگران در آنها به مشاغل تمام‌وقت اشتغال دارند، درآمد نسبتاً بالا کسب می‌کنند و از تأمین شغلی درازمدت برخوردارند. بخش‌های پیرامونی، بخش‌هایی هستند که در آنجا تأمین شغلی وجود ندارد، دستمزدها پایین است و نسبت کارگران پاره وقت زیاد است. کارگران ماهر و بخشی از کارگران نیمه‌ماهر و غیرماهر در بخش‌های مرکزی بسیارند که اغلب در اتحادیه‌های کارگری نیز متشکل هستند. بقیه کارگران در بخش‌های پیرامونی راه می‌یابند، که در آنجا سطح تشکل در اتحادیه‌ها نیز پایین است. خط فاصل عمده‌ای در درون طبقه کارگر بین اکثریت قومی و اقلیت‌های محروم، که یک طبقه زیرین را تشکیل می‌دهند، وجود دارد. اعضای طبقه زیرین؛ شرایط کار و سطح زندگی آشکارا پایین‌تری نسبت به اکثریت جمعیت دارند. اکثر اعضای طبقه زیرین؛ کارگرانی هستند که مدت طولانی بیکارند یا به طور متناوب شاغل و بیکار می‌شوند. در بریتانیا؛ سیاهان و آسیایی‌ها معمولاً در طبقه زیرین قرار دارند. در بعضی کشورهای اروپایی، کارگران مهاجری، که بیست سال پیش در دوران رونق اقتصادی کار می‌کردند؛ اکنون قسمت بزرگی از این بخش طبقه کارگر را تشکیل می‌دهند. مجموعه این لایه‌های کارگری، که مستقیم و غیر مستقیم عمدتاً در رابطه با کار یدی و تولید قرار می‌گیرند، طبقه کارگر تعریف می‌شود.*

را برای مبارزه افزون کرد.
در ذیل بخشی از رخدادهای مبارزاتی کارگران و زحمتکشان
در ماه اردیبهشت می‌آید.

نفت، گاز، پتروشیمی، معادن و نیروگاه‌ها ۱ اردیبهشت

«شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت» با انتشار بیانیه‌ای حمایت خود را از اعتصاب کارگران پیمانی اعلام داشت. در این بیانیه آمده است: «... همکاران! امسال اعتصابات ما زودتر آغاز شد برای اینکه گرانی نجومی و بالا رفتن سرسام آور نرخ تورم جای تأملی به ما نداده است. ما اعلام می‌کنیم که تا وقتی به مطالبه مزدی ما و خواست بیست روز کار و ده روز استراحت که نیاز بدنی و اجتماعی ماست، پاسخ داده نشود، به اعتصابات خود ادامه خواهیم داد...».

۳ اردیبهشت

در روزهای اول و دوم و سوم اردیبهشت کارگران پروژه‌ای، که خواستار افزایش دستمزد مطابق با لیست پیشنهادی خود بر اساس افزایش ۷۹ درصدی و ۲۰ روز کار و ۱۰ روز استراحت هستند، به اعتصابی که از فروردین آغاز شده است، پیوستند و تا این زمان، در بیش از ۶۶ شرکت پیمانکاری، کارگران با توقف فعالیت‌های شغلی خود دست به اعتصاب سراسری زده‌اند.

جمعی از کارگران «هفت‌تپه» با انتشار اطلاعیه‌ای حمایت خود را از اعتصاب سراسری کارگران پیمانی نفت اعلام داشتند. در این اطلاعیه آمده است: «... کارگران هفت‌تپه از اعتصاب و اعتراض شما عزیزان حمایت می‌کنند. ما در همه شرکت‌ها و صنایع کشور از کارگران پیمانی و غیرپیمانی و رسمی می‌خواهیم به مصوبه دستمزد اعتراض کنند و دست به عمل اعتراضی و اعتصابی بزنند...».

۵ اردیبهشت

کارگران شرکت نصب نیرو شاخل در «رميله» کشور عراق نیز در اعتراض به عدم افزایش دستمزد برای سال ۱۴۰۲ دست به اعتصاب زدند. لازم به ذکر است که کارگران پروژه‌ای زیادی از طریق شرکت‌های پیمانکاری در پروژه‌های نفت و گاز کشور عراق مشغول به کار هستند که اعلام کرده بودند هم‌راستا با دیگر همکاران پروژه‌ای دست به اعتصاب خواهند زد.

کنفدراسیون جهانی «اینداستریال» در پیامی به سندیکای کارگران «فلزکار مکانیک ایران»، همبستگی خود را با کارگران نفت و گاز ایران اعلام داشت.

۶ اردیبهشت

پرسنل ستادی شرکت (ادی سی سی) اصفهان دست به اعتصاب



در جبهه نبرد طبقاتی

اخبار، گزارشات و اعتراضات کارگری در اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

رشد قیمت‌ها با چنان شتابی اوج می‌گیرد که مزدبگیران با بی‌ارزش شدن حقوق دریافتی خود «اگر دریافت آن به تعویق نیفتد و یا بیکار نشوند»، به هیچ وجه از پس هزینه‌های زندگی برنمی‌آیند. هزینه مسکن به بیش از یک سوم از حقوق ماهانه رسیده است و با رشد سرسام آور مایحتاج زندگی در فروردین، اکثریت مردم ایران حتی با شغل‌های دوم و سوم نیز در «چاه چه کنم؟!» گرفتار شده‌اند و راه گریزی از این جهنم ساخته شده به دست نئولیبرال‌های حاکم در نظام مقدس! نمی‌بینند. میزان حداقل حقوق، اگر سه برابر هم شود، باز به «خط فقر» گزارش شده از سوی ارگان‌های رسمی نمی‌رسد. وقتی قیمت اجناس ضروری به رشد نجومی رسیده، چه میزان می‌بایست به حداقل حقوق‌ها اضافه شود، تا فرودستان، این صاحبان واقعی ثروت ایران، به یک زندگی ساده، ولی شایسته و انسانی برسند. کار به جایی رسیده است که بسیاری از به فلاکت کشیده‌شدگان به سیر شدن با نان خالی و سرپناهی در حاشیه شهر نیز راضی‌اند، ولی آن نیز از ایشان دریغ می‌شود و گرسنه و بی‌آشیانه روز را به شب و شب را به روز می‌گذرانند.

کارگران و زحمتکشان را راهی نیست جز مبارزه‌ای متشکل همراه با آگاهی. اگرچه انباشت مطالبات به حدی است که رسیدن به هر خواسته‌ای به تنهایی موجب رهایی ما کارگران و مزدبگیران نمی‌شود، ولی راهی جز مبارزه آگاهانه و مداوم سازمان‌یافته وجود ندارد. ما کارگران می‌بایست با صبوری انقلابی، امید به آینده و پرهیز از فردگرایی و انقلابی‌گری کور به مبارزه آگاهانه و متشکل پردازیم و از طرح شعارهای زود هنگام دوری کنیم، زیرا طرح شعارهایی که توان مبارزاتی ما را و همچنین قدرت سرکوب دشمن تا دندان مسلح را در درون خود نمایان نمی‌کند، نه تنها ما را به سرمنزل مقصود نمی‌رساند، بلکه به ماندگاری سرمایه‌داران کمک می‌رساند.

در اردیبهشت ماه اعتصاب کارگران صنعت نفت، که از فروردین آغاز شده بود، ادامه یافت و نیروی تمامی کارگران

داده‌ایم، سوال ما این است که چرا مساله اعتراض صنفی کارگران را امنیتی کرده‌اند و چه مدارکی در دست دارند که این معترضان به جز خواسته‌های صنفی، مطالبات دیگری داشته‌اند.»

۲۷ اردیبهشت

کارگران «هفت‌تپه» با انتشار اطلاعیه‌ای بازداشت هشت نفر از کارگران شاغل در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی در منطقه پارس جنوبی را با اتهامات واهی محکوم ساختند. در پی انتشار خبر بازداشت ۸ نفر در ارتباط با اعتصاب سراسری کارگران پروژه‌های نفت، گاز و پتروشیمی با عنوان اتهامی «لیدر اصلی اعتصاب کارگری در منطقه‌ی پارس جنوبی»، تمامی صفحاتی که در سازماندهی و هماهنگی این اعتصاب نقش داشتند، حذف شدند.

۲۸ اردیبهشت

گروهی از کارگران پیمانکاری «پتروشیمی چوار ایلام»، نسبت به عدم به نتیجه رسیدن پیگیری‌هایشان برای اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل در اواسط اردیبهشت ماه مدتی دست از کار کشیدند و برای رسیدن به خواسته‌ی خود تجمع کردند، ولی به دلیل اعتراض برای مدتی مانع ورود کارگران معترض به کارخانه شدند و بعد از دادن تعهد به کارگران به بازگشتند، اما همچنان از اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل خبری نیست.

۱۹ اردیبهشت

پیرو فراخوان «شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، معلمان و فرهنگیان ۳۳ شهر در سراسر کشور، از جمله شوش، اهواز، اراک، کرمانشاه، تربت حیدریه، هرسین، اصفهان، سندج، تاکستان، همدان، سقز، مریوان، مشهد، بهمنی، بوشهر، کازرون، تهران، نورآباد ممسنی، شیراز، دیواندره، اسلام آباد غرب، جلفا، رشت، آبدانان، بجنورد، قزوین، اردبیل، بابل، شیروان، کهگیلویه و بویراحمد، الیگودرز، ساری، یاسوج و ... در اعتراض به وضعیت بد معیشتی، اجرای ناصحیح رتبه‌بندی، کالائی شدن آموزش و محدود شدن مطالبه‌گری، مقابل ادارات آموزش و پرورش تجمعات اعتراضی برگزار کردند. در شهر سندج فرهنگیان مورد هجوم وحشیانه نیروی انتظامی - امنیتی قرار گرفتند. در قطعنامه پایانی تجمع سراسری فرهنگیان آمده است: «... شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن گرامیداشت یاد و خاطره تمامی معلمان که در راستای رشد و توسعه آموزش در این سرزمین به هر شکل کوشیده‌اند، اعلام می‌دارد هرچند با توجه به ناتوانی اشغال‌کنندگان پست‌های مدیریتی در نظام آموزشی در ذیل ناکارآمدی کل نظام اجرایی و ضدیت کل حاکمیت با اندیشه و آموزش مدرن، امید به رخ دادن کم‌ترین تغییر مثبت را از بین برده، اما همچنان پیگیر مطالبات انباشته معلمان، شاغل و بازنشسته، و

زدند و خواستار افزایش دستمزد شدند. اعتصاب سراسری کارگران در صنعت نفت، گاز، پتروشیمی، فولاد و معادن به بیش از ۱۱۰ کارگاه و شرکت در «آبادان، یزد، گچساران، عسلویه، بوشهر، کنگان، ماهشهر، دهلران، جاسک، شیراز، کرمان، سیرجان، پارس جنوبی، لاوان، اصفهان، لردگان، مس سرچشمه، جفیر، هرمزگان، چابهار، لامرد، رفسنجان، شادگان، بندرعباس، نیشابور، بهبهان، رمیله عراق، تهران، بروجن، دماوند، ایلام و ...» رسید.

۸ اردیبهشت

«سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه» با انتشار اطلاعیه‌ای حمایت خود را از اعتراضات و اعتصابات به حق کارگران پروژه‌های شرکت نفت اعلام داشت. در این اطلاعیه آمده است: «... سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه هر گونه سرکوب و بازداشت کارگران را محکوم می‌کند و خواستار رسیدگی هر چه سریع‌تر به مطالبات کارگران پروژه‌های شرکت نفت است.»

۱۱ اردیبهشت

مدیران «پتروشیمی چوار ایلام» نزدیک به ۲۰۰ کارگر پیمان‌ی را، که به اجرانشدن طبقه‌بندی مشاغل و وضعیت معیشتی خود معترض بودند، ممنوع ورود کردند. در روزهای گذشته پس از اعتراض به دستمزد پایین و اجرانشدن طرح طبقه‌بندی از ورود آنها به پتروشیمی جلوگیری شده است. تمامی این کارگران قرارداد موقت و به واسطه شرکت‌های پیمانکاری مشغول به کار هستند. به گفته آنها، در سه چهارم روز اخیر به تدریج این کارگران ممنوع ورود شده‌اند و ظاهراً مراجعه آنها به اداره کار نیز هیچ حاصلی نداشته است. کارگران «پتروشیمی چوار» گفتند: در روز جهانی کارگر هدیه بسیار خوبی به ما دادند، ما را ممنوع ورود کردند!

کارگران «واحد الفین پتروشیمی ایلام» با پهن کردن سفره خالی مقابل درب پتروشیمی در روز جهانی کارگر، نسبت به پامال شدن حقوق خود اعتراض کردند.

۲۴ اردیبهشت

هشت تن از کارگران «پارس جنوبی» بازداشت شدند. «اکبر پورات»، معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار بوشهر، اعلام داشت: «هشت لیدر اصلی اعتصاب کارگری در منطقه پارس جنوبی بازداشت شده‌اند، این لیدرها در منطقه پارس جنوبی از طریق فضای مجازی و حقیقی برای تداوم اعتراضات کارگری آن را مدیریت می‌کردند». «رامین اناری»، نماینده کارگران قراردادی و پروژه‌ای، در گفتگو با خبرنگار «ایلنا»، از اظهارات معاون استاندار بوشهر انتقاد کرد و خواستار رسیدگی به مطالبات برحق کارگران پروژه‌ای شد. «اناری» می‌گوید: «ما پیگیری‌هایی را برای اطلاع از بازداشت این کارگران صورت

کردند. این کارکنان خواستار پرداخت حق و حقوق و تمامی مطالبات مطابق با ضوابط جاری شرکت و قانون کار، رفع کامل محدودیت‌ها و برقراری حق جذب شدند.

۸ اردیبهشت

رانندگان قراردادی «هادیان شهر و حامیان شهر در سامانه ۴ شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه»، به دلیل عدم واریز حقوق‌ها دست به اعتصاب زدند و در محل کار حضور پیدا نکردند. رانندگان همچنین اعلام کردند که در صورت تداوم عدم پرداخت حقوق‌ها، هرگونه اعتراض اعم از چراغ روشن کردن و غیره را مطابق اصل ۲۷ قانون اساسی برای خودشان محفوظ می‌دانند.

۱۰ اردیبهشت

کارکنان شرکت کنترل ترافیک در اعتراض به واگذاری وظایف این شرکت به موسسه رایانه شهر، مقابل شورای شهر تهران تجمع کردند. واگذاری وظایف این شرکت به شرکت پیمانکار، ۴۰۰ کارگر این شرکت را نگران کرده است. معلوم نیست در صورت واگذاری شرکت کنترل ترافیک چه اتفاقی برای کارگران بیفتد. بسیاری از این کارگران سوابق بالایی دارند و در صورت واگذاری شرکت، امنیت شغلی آنها دچار مشکل می‌شود.

۱۵ اردیبهشت

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه با انتشار بیانیه‌ای حمایت، قدردانی و همبستگی کارگران ایران با کارگران فرانسوی را اعلام داشت.

۲۳ اردیبهشت

گروهی از کارگران آتش‌نشان در مشهد مقابل ساختمان شورای شهر و مقابل استانداری خراسان رضوی دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار افزایش سقف اضافه‌کاری و تعطیل کاری‌ها برای افزایش میزان حقوق خود شدند.

بازنشستگان

۶ اردیبهشت

«اسماعیل گرامی»، کارگر بازنشسته در نامه‌ای سرگشاده‌ای، مصوبه ظالمانه حداقل حقوق و موضع‌گیری نمایندگان دروغین کارگری را محکوم ساخت. در این موضع‌گیری آقای «گرامی» آمده است: «... نمایندگان واقعی برای منافع کارگران و بازنشستگان مبارزه می‌کنند بدین منظور به نیروی متحدانه آنها تکیه می‌کنند و راه حل نهایی را کف خیابان می‌دانند. اما نمایندگان دروغین برای حفظ موقعیت خود تلاش می‌کنند و از کف خیابان می‌ترسند، در نتیجه کارگران و بازنشستگان را از آمدن به کف خیابان منع می‌کنند و دست به فریب آنها

حقوق دانش‌آموزان به همه روش‌های ممکن و مدنی همچون گذشته است...».

۳۱ اردیبهشت

جمعی از کارکنان دانشگاه شهرداری اهواز و جمعی از سوادآموزان نهضت سوادآموزی خوزستان در اعتراض به عدم رسیدگی به خواسته و مطالبات‌شان مقابل استانداری خوزستان در شهر اهواز دست به تجمع زدند.

کادر درمان و بهداشت

۴ اردیبهشت

کادر درمان علوم پزشکی کردستان (سنندج) نسبت به تبعیض و نابرابری و وضعیت اسفناک معیشتی خود دست به تجمع اعتراضی زدند. «تجمع، تحصن، از این به بعد همین!».

۶ اردیبهشت

گروهی از پرستاران شیراز نسبت به پرداخت اندک و نامشخص تعرفه‌گذاری و عدم رسیدگی به مطالبات خود دست به تجمع اعتراضی زدند. «تعرفه ما کجاست، توی جیبای کیاست؟!».

۱۱ اردیبهشت

پرسنل اتاق عمل و بیهوشی بیمارستان امام سجاد شهریار در اعتراض به ناعادلانه‌بودن تعرفه پرستاری، عدم پرداخت پول لباس، ندادن غذا و پرداخت مبلغ پایین به عنوان پول غذا (۵۰ هزار تومان) دست به تجمع اعتراضی زدند. تجمع اعتراضی پرستاران در روز جهانی کارگر برای مطالبات حقوقی خود در مقابل استانداری قزوین با شعار: «تجمع، تحصن از این به بعد همین!».

۱۷ اردیبهشت

پرسنل فوریت‌های پزشکی قزوین در خصوص عدم پرداخت معوقات و فوق‌العاده خاص و ناعادلتی در اجرای تعرفه خدمات پرستاری تجمع اعتراضی برگزار کردند. «فوق‌العاده کار حق ماست، حاصل دسترنج ماست!».

کادر اورژانس ۱۱۵ تبریز نسبت به وضعیت نابسامان اقتصادی، خُلف وعده و عدم رسیدگی به مشکلات‌شان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

شهرداری

۵ اردیبهشت

کارکنان «مرکز فرمان شرکت بهره‌برداری مترو تهران» نسبت به تبعیض در پرداخت حق جذب و نبود امنیت شغلی، ایجاد محدودیت اضافه‌کاری، جابجایی تعدادی از نمایندگان کارکنان و عدم رسیدگی و توجه به خواسته‌های پرسنل، مقابل شورای شهر تهران دست به تجمع اعتراضی برگزار

می‌زنند...».

۱۲ اردیبهشت

بازنشستگان مخابرات تهران مقابل وزارت ارتباطات و در استان‌های سیستان و بلوچستان، فارس، کرمانشاه، اصفهان، هرمزگان، قزوین، چهارمحال و بختیاری، اردبیل، کردستان (مریوان)، کرمان، اراک، خوزستان، ایلام، کردستان (سنندج) و ... مقابل اداره مخابرات مربوطه، تجمع و راهپیمایی اعتراضی برگزار کردند و خواستار اجرای آیین‌نامه ۸۹، کاهش سهم بیمه تکمیلی از ۵۰ به ۲۰ درصد سابق و پرداخت رفاهیات و سهم خواروبار خود شدند.

۱۷ اردیبهشت

بازنشستگان تأمین اجتماعی شهرهای کرمانشاه، اراک، شوش و هفت تپه نسبت به وضعیت بد معیشتی، تبعیض، فقر و نابرابری‌ها تجمع و راهپیمایی اعتراضی برگزار کردند. اعتراض بازنشستگان به مصوبه حداقلی مزدی، عدم اجرای باقیمانده همسان‌سازی، عدم اجرای ماده ۹۶ و ۱۱۱ تأمین اجتماعی و موضوع واگذاری بانک رفاه کارگران است. بازنشستگان کارگری می‌گویند: با افزایش قیمت‌ها در چهل و هفت روز گذشته بایستی ماده ۹۶ قانون تأمین اجتماعی اجرا شود و افزایش ۲۱ و ۲۷ درصدی حقوق‌ها قانونی نیست.

۱۸ اردیبهشت

بازنشستگان مخابرات در شهر تهران، مقابل وزارت ارتباطات و در اصفهان، اراک، اردبیل، ایلام، کرمانشاه، آذربایجان شرقی، سیستان و بلوچستان، خوزستان (اهواز و دزفول)، گیلان، زنجان، هرمزگان، خراسان رضوی، چهارمحال و بختیاری، لرستان و ... مقابل ادارات مخابرات تجمع کردند. بازنشستگان خواستار اجرای کامل آیین‌نامه ۸۹، کاهش سهم بیمه تکمیلی از ۵۰ به ۲۰ درصد سابق و پرداخت رفاهیات و سهم خواروبار خود هستند. عده‌ای از بازنشستگان در تهران بازداشت شدند. نیروهای امنیتی با حمله به بازنشستگانی که برای تجمع آمده بودند، تعدادی را بازداشت کرده و به داخل ماشین‌های «ون» بردند. در ادامه ۷ نفر از بازنشستگان، که در محل پارک اندیشه حضور داشتند، نیز بازداشت شده و خبرها حاکی از انتقال آنها به کلانتری خیابان نیلوفر است. جالب توجه اینکه این بازنشستگان بازداشتی از جانبازان جنگ نیز هستند.

۲۴ اردیبهشت

بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای اصفهان، کرمانشاه، شوشتر، کرمان، اهواز، شیراز، شوش و ... در اعتراض به نحوه‌ی اجرای باقیمانده متناسب‌سازی و اعمال نشدن ضریب افزایش سال گذشته، مقدار ناکافی افزایش حقوق در سال جاری علی‌رغم تورم سنگین و ... تجمع و راهپیمایی برگزار می‌کنند.

استقلال، بانک رفاه، بهبود خدمات رفاهی و تأمین درمان رایگان از دیگر مطالبات بازنشستگان است. بازنشستگان تأمین اجتماعی شوش، کرخه و هفت‌تپه همراه با خانواده‌ها مقابل سازمان تأمین اجتماعی شوش و داخل محوطه این سازمان، دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

۲۵ اردیبهشت

بازنشستگان مخابرات استان‌های خوزستان، چهارمحال و بختیاری، کردستان، اراک، اصفهان، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان، خراسان رضوی، خراسان شمالی و ... نسبت به پرداخت نشدن به موقع مطالبات درمانی و رفاهی، عدم اجرای آیین‌نامه استخدامی و پرسنلی مصوب سال ۸۹ و عدم رسیدگی به دیگر خواسته‌هایشان، مقابل مخابرات مرکز استان‌های مربوطه دست به تجمع اعتراضی زدند.

«سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه» با انتشار اطلاعیه اعلام داشت که: «بازنشستگان تأمین اجتماعی شوش از طریق شماره تلفن‌های ناشناس و در مواردی حتی حضوری، تهدید به پرونده‌سازی امنیتی و بازداشت شدند و مورد تهدید قرار گرفتند».

۳۱ اردیبهشت

بازنشستگان تأمین اجتماعی در شهرهای شوش، شوشتر، اهواز، کرمانشاه، رشت، اصفهان و ... در اعتراض به شرایط بد معیشتی و عدم رسیدگی به خواسته و مطالبات‌شان همزمان دست به تجمع زدند. «گرانی تورم بالای جان مردم!»، فقط کف خیابون به دست میاد حقمون!».

کارگران دیگر

۴ اردیبهشت

شماری از کارگران پیمانکاری شرکت خدمات اول مخابرات استان همدان به عدم تمکین کارفرمای خود به رأی اداره کار اعتراض کرده و مقابل ساختمان شرکت خدمات اول مخابرات تجمع کردند. از قرار معلوم؛ ۱۳۶ نفر از کارکنان شرکت خدمات اول مخابرات استان همدان از سال ۹۵ دادخواستی را در هیأت حل اختلاف اداره کار مطرح کرده و رأی نیز به نفع کارکنان صادر شده است، اما پیمانکار تمکین نمی‌کند. به گفته کارگران؛ در نتیجه بالاگرفتن اختلاف بین کارگران با کارفرمای شرکت پیمانکار خدمات اول مخابرات، تعدادی از همکاران موقتاً تعلیق از کار شده و بلا تکلیف شده‌اند.

۹ اردیبهشت

کارگران کارخانه لاستیک‌سازی «یزد تائر» در اعتراض تبعیض، خلف وعده مسئولان، وضعیت بد معیشتی و دستمزدهای پایین و پایمال شدن حقوق خود دست از کار کشیدند. بعد از تجمعی که بهمین ماه در شرکت «یزد تائر» برگزار شد، مسئولان شرکت قول رسیدگی به مشکلات را دادند و قرار شد دستمزدها افزایش

۱۴ اردیبهشت

کارگران بخش‌های «باگاس»، فضای سبز و خدمات شرکت کاغذ پارس هفت‌تپه، در اعتراض به دستمزدهای نازل، عدم تبدیل وضعیت و خلف وعده در استخدام دائمی، ساعات طولانی کار دو شیفته و بدون استراحت و نداشتن مرخصی و دیگر خواسته‌ها دست به اعتصاب زدند. کارگران شرکت کاغذ پارس و خصوصا نیروهای شرکتی همواره با خطر و تهدید اخراج از کار روبرو هستند.

۲۰ اردیبهشت

کارگران «پیمانکاری ابنیه فنی کرمان در محور بافق تا شورگرز بم» در اعتراض به تداوم مشکلات خود و دستمزدهای پائین ششمین روز اعتصاب خود را پشت‌سر گذاشتند. در این محدوده ریلی حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ کارگر مشغول کارند که پیمانکار حدود ۱۰ سال به کارگران سنوات پرداخت نکرده است.

از دیگر مطالبات کارگران «ابنیه فنی کرمان»، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل برای افزایش حقوق و پرداخت مطالبات عرفی و مناسبتی است.

۲۷ اردیبهشت

دو نماینده صنفی کارگران کارخانه «نخ البرز» واقع در شهرک صنعتی البرز قزوین «محمدعلی رجبی» و «حمید پیغان» به دلیل پیگیری مطالبات صنفی کارگران، اخراج شدند! آقای «رجبی» با ۱۸ سال و آقای «پیغان» با ۱۱ سال سابقه کار مدت‌ها پیش از سوی کارگران نخ البرز مسئول پیگیری مطالبات صنفی کارگران شدند و بخش زیادی از مطالبات کارگران این کارخانه مربوط به تعدیل! گروهی کارگران و تامین امنیت شغلی آنها بوده است.

نظام سرمایه‌داری اسلامی با اجرای سیاست‌های نئولیبرالی با تمام قدرت سعی دارد تا چپاول، غارت و سرکوب کارگران و زحمتکشان را امری طبیعی، لازم و مطابق با منافع عموم جلوه دهد، ولی ما کارگران و زحمتکشان می‌دانیم که منافع طبقاتی ما و سرمایه‌داران یکی نبوده و نیست و برای به دست آوردن آنچه متعلق به ماست، بایست متحد و متشکل جنگید و تا روز پیروزی از پای نخواهیم نشست.

و قراردادهای مستقیم شود، اما از آن زمان تاکنون اتفاقی نیفتاده و مسئولان به وعده‌ی خود عمل نکرده‌اند.

۱۰ اردیبهشت

انجمن‌های کارگران و استادکاران ساختمانی استان کردستان به مناسبت روز کارگر قطعنامه مشترکی منتشر ساختند و مطالبات برحق خود را در آن ذکر کردند. در این قطعنامه آمده است: «... کارگران ساختمان بنا به شرایط ویژه و دلایل متعدد، آسیب پذیرتر از بخش‌های دیگر طبقه کارگر هستند. پیمانکاران خصوصی و سرمایه‌دارانی که مشغول ساخت و ساز هستند، شرایط دشواری را برای کارگران ساختمانی فراهم کرده‌اند. نبود ایمنی و بهداشت در محیط‌های کار، نبود امنیت شغلی، پایین بودن سطح دستمزد، تورم و بسیاری دلایل دیگر ما کارگران ساختمانی را آسیب‌پذیر کرده است...».

۱۱ اردیبهشت

کارگران پیمانکاری «یزد تیر» در اعتراض به تداوم مشکلات خود، وضعیت بد معیشتی و دستمزدهای پایین و خلف وعده مسئولین دست از کار کشیدند و سومین روز اعتصاب و تجمع خود را پشت سر گذاشتند. کارگران معترض «یزد تیر» که پیش‌تر در بهمن ماه سال گذشته در جریان اعتراضات خود قول مساعد برای رسیدگی به مشکلات گرفته بودند، می‌گویند: از آن زمان تاکنون اتفاقی نیفتاده و کارفرمایان به وعده‌ی خود عمل نکرده‌اند.

انجمن کارگران ساختمانی شهرستان کامیاران روز جهانی کارگر را با حضور کارگران مریوانی در مراسمی به مناسبت این روز جشن گرفت.

انجمن کارگران و استادکاران ساختمانی مریوان، روز جهانی کارگر را در میدان اصلی شهر مریوان (شیرنگ) با برگزاری مراسمی به مناسبت این روز گرامی داشت. کارگران با قرائت بیانیه و پخش گل و شیرینی و تیریک اول مه، روز رزم جهانی کارگران برای زندگی انسانی و برابر را همانند سالهای گذشته گرامی داشتند. سندیکای خبازان سندج با انتشار بیانیه‌ای روز جهانی کارگر را به تمامی کارگران تیریک گفت. در این بیانیه آمده است: «... روز جهانی کارگر امسال را مبنایی برای خیز جدی در مسیر ایجاد تشکل سراسری طبقاتی و توده‌ای کارگران قرار دهیم. اعتراض و اعتصاب طبقه کارگر و توده‌های مردم زحمتکش، بدون تشکل و سازمانی رادیکال با افقی روشن راه به جایی نخواهد برد. سال آینده مطالبه‌هایمان از تامین امنیت شغلی، تساوی حقوق زنان و مردان، لغو کار کودکان، منع تعقیب قضایی برای کارگران و فعالین کارگری که کارگران را به ایجاد تشکل و سازمان‌یابی فرامی‌خواند، تامین رفاه کارگران بر اساس استانداردهای امروز جامعه و... سازمان‌یافته‌تر در قالب یک تشکل سراسری مطالبه کنیم.»

چاره زحمتکشان وحدت و تشکیلات است!



گزارش تجمع صنفی فرهنگیان کشور، در ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۲

در بخشی از این گزارش چنین می‌خوانیم:

سال‌های مدیری است که آموزش و پرورش در اولویت هیچ‌کدام از دولت‌ها قرار ندارد، طی این سال‌ها سهم آموزش و پرورش از درآمد ناخالص ملی، به پایین‌ترین سهم خود، در دوران پس از انقلاب رسیده است و از این بودجه ناچیز ۹۷.۷ دهم درصد صرف حقوق پرسنل و ۲.۳ دهم درصد آن صرف کیفیت بخشی می‌شود. این مطلب بدان معناست که اصل سی‌ام قانون اساسی، که آموزش برابر و رایگان را برای دانش‌آموزان در نظر گرفته، عملاً تعطیل شده است.

افزایش حقوق فرهنگیان شاغل و بازنشسته نیز، متناسب با نرخ تورم افزایش نداشته و عدم توازن در افزایش حقوق و دستمزد، با هزینه‌های زندگی، سفره فرهنگیان را هر روز کوچک‌تر کرده و آنها را مجبور کرده که به مشاغل دوم و سوم روی آورند. کانون طی بیست سال گذشته، به شکل‌های گوناگون (اخراج، تبعید، زندان، کسر حقوق، بازنشستگی پیش از موعد) مورد آزار قرار گرفته‌اند. با این حال، شورای هماهنگی هیچ‌گاه از مواضع به‌حق خود عقب‌نشینی نکرده و همچنان بر خواسته‌های به‌حق این دو قشر اصرار می‌ورزد.

طبق این گزارش در ۳۲ شهر تجمع اعتراضی برگزار شد.

قطعه‌نامه پایانی شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

در تجمع اعتراضی ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۲

عمده‌ترین مطالبات معیشتی معلمان، که امروز ۱۹ اردیبهشت ماه در چند شهر ایران تجمع کردند، عبارتند از:

« اجرای دقیق قانون مدیریت خدمات کشوری برای شاغل و بازنشسته

« اجرای دقیق رتبه‌بندی معلمان مطابق مصوبه اولیه

« بازگشت به اجرای اصل ۳۰ قانون اساسی

« تامین آموزش با کیفیت و امنیت مدارس به‌ویژه برای دختران دانش‌آموز

« آزادی بی‌قید و شرط همه فعالین در بند

در پایان، تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران اعتراض جامعه معلمان را به موارد زیر اعلام می‌دارد:

۱. بی‌توجهی آشکار به جایگاه علم و معلمان

۲. حذف عملی اصل ۳۰ قانون اساسی

۳. تشدید القانات ایدئولوژیک در کتاب‌های درسی

۴. عدم اجرای درست قانون رتبه‌بندی و تبدیل آن از یک عامل

تشویق معلمان به ابزاری برای مطیع کردن آنان

۵. انتظار بیش از یک دهه برای همسان‌سازی حقوق بازنشستگان

۶. عدم اجرای همین قانون نیم‌بند رتبه‌بندی برای بازنشستگان

سال‌های ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱

۷. ایجاد ناامنی روانی و تهدید سلامت جسمی دانش‌آموزان به

ویژه دختران دانش‌آموز

۸. تداوم پرونده‌سازی و فشارهای امنیتی بر فعالین صنفی.*

گریدور شمال به جنوب، یکی از مسیرهای مهم ترانزیتی در آسیای میانه است که مسافت ۱۶ هزار کیلومتری حمل بار از طریق کانال سوئز را با یک مسیر ۷ هزار کیلومتری جایگزین کرده و در مقایسه با مسیرهای سنتی از نظر مسافت و زمان تا ۴۰ درصد کوتاه‌تر و از نظر هزینه تا ۳۰ درصد ارزان‌تر است. در این گریدور، اتصال خلیج عمان و بندر چابهار در ساحل شرق دریای مکران یا دریای عرب به عنوان بندری استراتژیک به این راه‌گذر در مبادله کالا به شرق کشور و همسایه‌های شرقی و آسیای میانه نقش مهمی ایفا خواهد کرد. این گریدور تحت یک پروژه ترانزیتی چندوجهی عمل می‌کند و دو حمل‌دریایی، یکی حمل‌دریایی خزر و دیگری حمل جنوب را شامل می‌شود و توسط یک برنامه سراسری از طریق ترکیب خشکی و دریا انجام و کشتی به مقصد می‌رسد. این گریدور از سه محور تشکیل شده است؛ محور میانی از طریق دریای خزر، که مسیر زمینی از سن پترزبورگ در شمال غربی روسیه به منطقه آستاراخان در دریای خزر آغاز و سپس از طریق دریا توسط کشتی‌ها به بندر انزلی ایران منتقل می‌شود. در نهایت با حمل و نقل زمینی به بندر چابهار و سپس به بمبئی هند وصل می‌شود. محور شرقی، مسیری زمینی است که از روسیه به ایران شروع می‌شود و از قزاقستان، ترکمنستان و ازبکستان می‌گذرد. مسیر غربی از روسیه به ایران و از طریق آذربایجان است که مستلزم تکمیل ساخت خط ریلی رشت - آستارا در داخل ایران است.

دوم: چرا راه آهن رشت - آستارا مهم است؟

خط آهن رشت - آستارا در شمال ایران حلقه مفقوده این گریدور است و در صورت احداث این قطعه ریلی، می‌توان گفت که بندر بمبئی در هند تا هلسینکی فنلاند به طول ۱۳ هزار کیلومتر، با اتصال مستقیم ریلی و با عبور از خاک ایران به یکدیگر متصل خواهند شد. مسیر ریلی رشت - آستارا حتی به راه‌گذر «شرق - غرب» نیز معنا می‌بخشد و قطار کانتینری شانگهای - تهران را می‌توان از مسیر رشت - آستارا - تفلیس، راهی اروپا کرد. اگر این بخش از گریدور ریلی تکمیل شود، کشورهای مثل آذربایجان و روسیه می‌توانند از کوتاه‌ترین مسیر به خلیج فارس و آب‌های آزاد متصل شوند و در هزینه‌های خود نیز صرفه‌جویی کنند. هزینه حمل کالاهای ترانزیتی از این مسیر، ۳۰ درصد نسبت به سایر مسیرهای منطقه ارزان‌تر است و زمان حمل و نقل کالاهای هندی به روسیه هم از طریق کانال سوئز به نصف کاهش می‌یابد. برای ایران، این گریدور دسترسی به ۱۰ شهر روسیه با یک میلیون مصرف‌کننده یا بیش‌تر در امتداد رودخانه ولگا را باز می‌کند، اما همچنین به عنوان یک مسیر اتصال به آسیای مرکزی و منطقه دریای سیاه گسترده‌تر است. کالاهای ایرانی می‌توانند از طریق آذربایجان به سمت شرق به بندر آکتائو قزاقستان بروند. با این حال، یک احتمال دیگر، نگاه به سمت غرب به سمت بندر دریای سیاه گرجستان و بازار اروپاست. این احتمال با لغو تحریم‌های امریکا واقعی‌تر خواهد بود.



پیرامون توافقنامه ساخت راه آهن رشت - آستارا

توافقنامه ساخت «راه آهن رشت - آستارا» توسط رؤسای جمهور ایران و روسیه امضا شد. بر اساس این توافقنامه تقویت مسیر پاکستان - ایران - ترکیه، مسیر ریلی شلمچه - بصره و همچنین راه آهن چابهار - زاهدان و اتصال دریای عمان و خلیج فارس به اروپا با جدیت پیگیری خواهد شد. چهارشنبه ۲۷ اردیبهشت توافقنامه احداث «راه آهن رشت - آستارا» به صورت ویدیوکنفرانس به امضای رؤسای جمهور ایران و روسیه رسید. راه آهن رشت به آستارا، بخش «روی زمین مانده» گریدور «شمال - جنوب» موسوم به INSTC International North-South Transport Corridor است که از مسیرهای راهبردی در نیمکره شرقی جهان محسوب می‌شود. به گزارش «فارس نیوز» تقریباً ۲۲ سال پیش موافقتنامه اولیه برای ساخت گریدور «شمال - جنوب» به امضای وزیران حمل و نقل روسیه، ایران و هند رسید و از آن زمان، بخش بزرگی از زیرساخت‌های لازم برای حمل و نقل در این «راه‌گذر» بنا شده است. عمده این زیرساخت‌ها نیز در بخش ریلی است.

یکم: گریدور شمال - جنوب چیست؟

سوم: راه آهن رشت - آستارا چقدر کار دارد؟

راه آهن رشت - آستارا به طول ۱۶۲.۵ کیلومتر در دو قطعه طراحی شده و شامل ۹ ایستگاه صومعه سرا، ماسال، رضوانشهر، پره سر، آسالم، لیسار، حویق، لوندویل و آستارا می شود. ظرفیت حمل بار این راه آهن در سال نخست بهره برداری ۱۰ میلیون تن برآورد شده که در حال حاضر به میزان ۹.۶ میلیون تن تقاضای حمل بار دارد. همچنین «راه آهن رشت - آستارا» ظرفیت جابجایی حدود ۹۹۰ هزار نفر مسافر را در سال بیستم بهره برداری خواهد داشت. برای ساخت این پروژه ریلی، احداث ۶۳ دستگاه پل به طول حداکثر ۴۰ کیلومتر و یک دستگاه تونل در نظر گرفته شده است. عملیات زیرسازی ۱۰ کیلومتر ابتدایی مسیر به صورت دو خطه در قالب «راه آهن قزوین - رشت - بندر کاسپین» در مرحله پایانی و آماده ریل گذاری است. «راه آهن رشت - آستارا» به بیش از ۲۱ هزار تن ریل نیاز دارد.

چهارم: چه مشکلاتی وجود دارد؟

ایران با چالش‌هایی مانند فرسودگی زیرساخت‌های داخلی و ضعف در جذب سرمایه‌گذاری خارجی یا تأمین منابع مالی لازم برای تکمیل کریدور به ویژه تأمین مالی ساخت «راه آهن رشت - آستارا» مواجه است. همچنین تأمین مالی ساخت ۲۲ تونل و ۱۵ پل در امتداد کریدور در خاک ایران است که روسیه اخیراً با ارایه کمک‌های فنی و مالی متعهد به حل آنها شده است. همچنین، افزایش تنش در روابط ایران و آذربایجان پس از جنگ ۲۰۲۰ قره‌باغ، مسیر غربی کریدور را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد که کم هزینه‌ترین و آسان‌ترین مسیر برای عبور است که احتمالاً اجرای پروژه را به تأخیر بیندازد. یکی دیگر از چالش‌ها، کوچک بودن ناوگان ایرانی در دریای خزر است، زیرا تعداد محدودی از کشتی‌های رُورُو بین ایران و روسیه وجود دارد. بحران دیگر این واقعیت است که بندر آستاراخان در جنوب روسیه در زمستان یخ می‌زند و دسترسی را به شدت محدود می‌کند. عدم گسترش در مسیر رودخانه وُلگا نیز منجر به کاهش ظرفیت بارگیری کشتی‌ها از طریق آنها شد.

«ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهور روسیه در مراسم امضای سند احداث خط ریلی راهبردی رشت - آستارا گفت: «ایجاد مسیر مستقل و بدون وقفه در حمل‌ونقل در مسیر شمال - جنوب برای ما مهم است. طرح اتصال بنادر روسیه در حاشیه دریای بالتیک به بنادر ایرانی در حاشیه دریای خلیج فارس، بعد از ۲۰ سال عملی می‌شود و کالاهای تجاری از طریق این مسیر ظرف ۱۰ روز منتقل می‌شود در صورتی که در حال حاضر بین ۳۰ تا ۴۵ روز زمان می‌برد. این طرح آغاز اجرای پروژه عظیمی است، یعنی تکمیل کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شمال - جنوب. ما مباحث زیادی را داشتیم که ایجاد این مسیر مستقیم و بدون حمل‌ونقل خیلی مهم است. هدف آن اتصال بنادر روسی حاشیه دریای بالتیک و دریاهای شمالی با بنادر حاشیه دریای خلیج فارس و باقیانوس هند است. من یادآور می‌شوم که تصمیم اصولی در خصوص کار مشترک روسیه و ایران طی مذاکرات در سطح عالی در

تهران در جولای ۲۰۲۲ اتخاذ شده بود. امروز، این ایده، که سابقه‌ای بیست ساله دارد، عملی می‌شود. در این شهرهای ایرانی، یعنی رشت و آستارا یک راه آهن با فاصله ۱۶۲ کیلومتر احداث خواهد شد. این یک هدف کوچک است، اما بالاخره رسیدن به آن به ما فرصتی می‌دهد که طی مسیر شمال - جنوب حمل‌ونقل بی‌وقفه داشته باشیم». او تأکید کرد که این مسیر ریلی، که خط راه آهن رشت - آستارا بخشی از آن خواهد بود، «فرصتی برای ایجاد تنوع در مسیرهای بین‌المللی حمل‌ونقل ایجاد می‌کند». او با اشاره به اینکه مسیرهای دیگری نیز برای توسعه منطقه‌ای این طرح وجود دارد، بیان کرد: «امیدوار هستیم که در اسرع وقت در فرمت سه‌جانبه یعنی با شرکت طرف آذربایجانی، متن موافقتنامه همکاری در خصوص توسعه زیرساخت‌های راه آهن برای ارسال کالاها از طریق شمال به جنوب را نهایی کنیم». رئیس‌جمهور روسیه با اشاره به تعاملات تهران - مسکو در اینباره گفت: «همان طور که ما تعاملات موفقی در چارچوب این پروژه عظیم داریم، نشان‌دهنده سطح عالی روابط ایران و روسیه است که ثمربخشی از ویژگی‌های آن است. هم در روسیه و هم در ایران ما اهمیت خاصی برای این موضوع قائل هستیم که ارتباطات دوجانبه تجاری - اقتصادی ادامه بیابد».

ناگفته روشن است این پروژه همکاری همچون سایر پروژه‌های اقتصادی و سیاسی میان ایران و روسیه به مذاق آمریکا خوش نمی‌آید و از همین رو «ودانت پاتل»، معاون سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در اظهارنظری درباره پروژه ریلی روسیه و ایران گفت: «هرگونه اقدام برای دور زدن تحریم‌های اعمال شده علیه روسیه و ایران باعث نگرانی شدید ایالات متحده خواهد شد». وی افزود: «هر اقدام یا پروژه‌ای که برای دور زدن تحریم‌ها انجام می‌شود، چیزی است که برای ما البته عمیقاً نگران‌کننده است. من ارزیابی خاصی درباره توافق ریلی روسیه و ایران ندارم، اما دلایلی وجود دارد که نشان می‌دهد ما بایستی چنین تحریم‌های سختی را اجرا کنیم و هرگونه تلاشی برای دور زدن آن‌ها باعث نگرانی شدید ما خواهد شد».

آمریکا مدت‌هاست در حال افول است و در انزوا قرار گرفته است. بسیاری از ممالک جهان از دلار فاصله گرفته و به ارزهای ملی سایر کشورها از جمله «یوان» و «روبل» روی آورده‌اند. «دلارزدایی» هر روز گسترش می‌یابد و جهان به سوی نظم و مدیریت چند قطبی در حرکت است. از اینرو اظهارنظر معاون سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در مورد این پروژه همکاری بین ایران روسیه دیگر محلی از اعراب ندارد و سران دول ایران و روس آنرا به ریشخند می‌گیرند. این پروژه اقتصادی به نفع منافع هر دو کشور ایران و روسیه است و عربده‌کشی‌های مزدوران امپریالیسم غرب و مستعمره خطاب کردن ایران نشان از عجز و درماندگی این جریانات اجنبی‌پرست است. با اجرای پروژه راه آهن رشت - آستارا در صورت حمل سالانه ۱۵ میلیون تن بار حدود ۲۰ میلیارد دلار درآمد عاید کشور می‌شود و این امر مثبتی است.*

با عزمی راسخ تر و اراده‌ای پولادین تر علیه ارتجاع و امپریالیسم و تمامی مظاهر سرمایه‌داری می‌رزمد و روحیه امید به پیروزی را در دل‌ها می‌نشانند و گرمابخش رفقا و یارانش بود. «حمید» انسانی فروتن بود، برغم سطح بالای سیاسی - تئوریک، کلامی شیوا، شخصیتی جذاب و دوست داشتنی، اما وقتی از رفقای جانباخته حزب، رفقا «قدرت فاضلی» و «بابا پورسعادت» سخن می‌گفت، گوئی وی شاگرد رفیق «قدرت» و رفیق «بابا» بود. کمتر از خود سخن می‌گفت، بیش‌تر از توانائی‌های سیاسی - تئوریک رفقا «بابا» و «قدرت» و دیگر رهبران حزب حرف می‌زد و آتوریت رهبری را برجسته می‌نمود. بارها می‌گفت نباید از رفقائی که در قید حیات هستند، تعریف و تمجید کرد، باید از تشکیلات و حزب دفاع نمود و رفقا را از احترام بی حد نسبت به خود و رهبران حزبی برحذر می‌داشت. رفیق «حمید» از هر بند انگشت‌اش هنر می‌بارید، هنر سازماندهی، هنر ارتباط با توده‌ها، هنر خویش‌داری و صبر و استقامت، هنر تداوم مبارزه، هنر روحیه‌بخشی و تقویت تشکیلات و ادامه راه جانباختگان حزبی و شوق به پیروزی و گرفتن انتقام طبقاتی از بورژوازی و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا.

یاد رفیق «حمید رضا چیتگر (بهمنی)» گرامی و راهش پُر رهرو باد! سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم ایران!

زنده باد سوسیالیسم، این پرچم‌رهای بشریت!
حزب کار ایران (توفان)
۱۹ ماه مه ۲۰۲۳

قسمتی از فایل صوتی سخنرانی زنده‌یاد رفیق «حمید رضا چیتگر (بهمنی)» پیرامون استالین و دیکتاتوری پرولتاریا در استکهلم ۸ مه ۱۹۸۷ در مورد امکان استقرار سوسیالیسم در یک کشور را ملاحظه فرمائید!

http://toufan.org/2/i_2%2001.mp3

امکان پیروزی سوسیالیسم در یک کشور

پرسش و پاسخ

« چرا فساد و انحطاط در شوروی بود و مدافعان «پرستریکای گرباچف» و رویزیونیست‌ها امروز چه می‌گویند؟
« نظر شما در مورد دولت غیرایدئولوژیک چیست؟
« آیا «حزب»، دیکتاتوری اعمال می‌کند، یا طبقه کارگر؟
« و چند پرسش دیگر.....»

http://toufan.org/3/i_4.mp3

فایل کامل سخنرانی را درلینک زیر ملاحظه فرمائید!
<http://toufan.org/souti%20file.htm>



به مناسبت سی‌وششمین سالگرد ترور جنایتکارانه رفیق «حمید رضا چیتگر (بهمنی)»

امروز جمعه ۱۹ ماه مه است. در چنین روزی در سال ۱۹۸۷، رفیق عزیز ما «حمید رضا چیتگر (بهمنی)»، عضو دفتر سیاسی و کمیته مرکزی حزب کار ایران (توفان) با یک نقشه کثیف از پیش طراحی شده‌ای توسط عوامل تبهکار رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی در وین (اتریش) به قتل رسید.

«رفیق حمید رضا چیتگر»، یک کمونیست مارکسیست - لنینیست جسور و بی‌باک و از خود گذشته، نظریه‌پرداز و یک سازمانده حرفه‌ای بود. وی یک عاشق به معنای واقعی کلمه بود. عاشق توده‌های رنج و کار، عاشق مارکسیسم - لنینیسم و مؤمن به راهش بود. او هیچگاه از سختی کار، از ضربات پی‌درپی بر پیکر حزب‌اش و عزیزترین رفقایش نمی‌نالید، بلکه

طبقه کارگر از واقعیات عینی به دور افتاده و قادر نیست صحت و سقم سیاست‌های خویش را در پیوند نزدیک و ملموس با طبقه کارگر در اتحادیه‌های کارگری محک زند. این جریان‌ها عملاً به ذهنی‌گری دچار شده‌اند و به علت کم‌حوصلگی خرده‌بورژوازی می‌خواهند در عرصه ذهنیات دمار از روزگار بورژوازی ستمگر درآوردند و یکشبه حاکمیت‌اش را سرنگون کنند. این است که شعارهای سیاسی و کسب قدرت سیاسی را جایگزین مطالبات کارگری می‌نمایند و برای توجیه این ماجراجویی، واقع‌بینان را «رفرمیست»، «سازشکار»، «مأمور حکومتی» جا می‌زنند، در حالی که خودشان با این سیاست‌های «چپ» روانه و ماجراجویی بهترین خدمت را به طبقه حاکمه می‌کنند.

آن اتحادیه کارگری - به فرض وجود واقعی و نه مجازی‌اش - که مطالبات حداقل‌اش از حکومت، سرنگونی این رژیم و رفع ستم طبقاتی و رفع بردگی نیروی کار و استثمار است، دیگر اتحادیه کارگری نیست و حق هم ندارد به عنوان اتحادیه کارگری سخن گوید. این اتحادیه حداکثر چند فعال سیاسی متعلق به جریان‌های سیاسی موجود منحرف است که با گزینش نام کارگری تمام تلاشش را برای به انحراف کشاندن طبقه کارگر و مبارزات صنفی این طبقه در عرصه مبارزه اقتصادی به کار می‌برد. معمولاً این جریان‌های منحرف مخالف حزبیت هستند و علیه حزب سیاسی مستقل طبقه کارگر نیز مبارزه می‌کنند، تا خواست‌ها و شخصیت فردی خویش را در لباس کارگری به رهبری طبقه کارگر تحمیل نمایند. آنها با شعار «کارگران خود خودشان را رها می‌کنند» مانع از آن می‌شوند که آنها سازمان مستقل سیاسی خویش را به وجود آورند و همواره به نوعی به اراده چند عدد «روشنفکر قهرمان» و «تئوریسین»، که برای آنها بیانیه سرهم‌بندی می‌کنند، وابسته‌اند و نتیجه آن وضعیتی می‌شود که ما اکنون با آن روبرو هستیم. طبیعتاً دشمنان طبقه کارگر و حزبیت در تمجید این بیانیه داد سخن خواهند داد، زیرا هدفی جز منحرف کردن مبارزه طبقه کارگر ندارند.

این تشکل‌ها حتی شعار روشنی در مورد مطالبه آزادی تأسیس اتحادیه‌های مستقل صنفی کارگری ندارند و آنرا در غالب عبارات بحث‌برانگیز، نادرست از نظر تئوریک و کلی تحت عنوان «آزادی بی‌قید و شرط عقیده، بیان و اندیشه، مطبوعات، تحزب، تشکل‌های محلی و سراسری صنفی و مردمی، اجتماعات، اعتصاب، راهپیمایی، شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های صوتی و تصویری» پوشانده‌اند و این اوهام را القاء می‌کنند که «آزادی» ای که آنها مطالبه می‌کنند، فاقد قید و



نقدی بر «منشور مطالبات حداقلی تشکل‌های مستقل صنفی و مدنی ایران» (بخش سوم)

مستخرجی از بیانیه حزب کار ایران (توفان). بخش سوم. ۱۴۱۵ه در شماره آینده

اتحادیه کارگری و وظایف آن

رهنمائی کی توانی ای که ره را خود ندانی

این شعر وصف حال کسانی است که خود را اتحادیه کارگری و نماینده کارگران معرفی می‌کنند، ولی هنوز نه تفاوت میان دو عرصه از مبارزات کارگران را می‌فهمند و نه تمایزی میان آنها قائل‌اند. کارگران، هم در عرصه صنفی و هم در عرصه سیاسی مبارزه می‌کنند. آنها در عرصه صنفی به ابزار سندیکا مجهزند و در عرصه سیاسی به سلاح حزب طبقه کارگر. کسانی که این وظایف را با یکدیگر مخلوط می‌کنند، هم به مبارزه صنفی و هم به مبارزه سیاسی طبقه کارگر خسارات جبران ناپذیر وارد می‌سازند.

اتحادیه کارگری محفل چند نفری نیست، مرکز تجمع توده‌های طبقه کارگر صرف نظر از ایدئولوژی، اعتقادات دینی، رنگ پوست، زبان و قوم بوده و باید کمیت عظیمی از طبقه کارگر را در برگیرد. اتحادیه کارگری بدون عضو و بدون طبقه کارگر و با جمعی «پیش‌تاز» و «انقلابی» فقط در فضای مجازی وجود دارد و به همین جهت نیز به علت عدم این پیوند ارگانیک با

غارت گر غربی آزاد شود. در یک کلام آنها حامیان ناآگاه و بعضاً آگاه سیاست امپریالیسم در ایران هستند، اگر باور ندارید به این عبارت توجه کنید: «پرچم اعتراضات بنیادینی که امروز به دست زنان، دانشجویان، دانش‌آموزان، معلمان، کارگران و دادخواهان و هنرمندان، کوئیرها(، نویسندگان و ... برافراشته شده و کم‌سابقه‌ترین حمایت‌های بین‌المللی را به خود جلب کرده، اعتراضی است...» (تکیه از توفان).

این بیانیه زمانی نوشته شده است که دیگر ماهیت ارتجاعی و امپریالیستی جنگ ترکیبی امپریالیستی و ناتو در اعتراضات اخیر در خارج از کشور رو شده است. اعتراضات «کم‌سابقه» جهانی با دست سازمان‌های امنیتی و تدارکاتی ناتو و یاری سازمان‌دهندگان فرقه رجوی و ساواک پهلوی، تجزیه‌طلبان، نازی‌های اوکرائینی، فرقه‌های فمینیستی که بخشی از استراتژی سیاست خارجی ممالک اروپائی است، تدارک دیده شده بود. آقای «حامد اسماعیلیون» انتقام‌جو یکی از ۸ تفتنگدار کنار آقای «رضا پهلوی»، «معصومه علینژاد قُمیکلا» و... از رهبران این نمایشات امپریالیستی بودند که در لندن، پاریس، استکهلم، برلن، استراسبورگ، کانادا، آمریکا، استرالیا و... زیر شعار انحرافی و همه با هم «زن، زندگی، آزادی» برگزار شد و خواست‌شان تشدید تحریم، دخالت در امور داخلی و تجاوز به ایران بود. سیاستی که هنوز هم ادامه دارد و بزرگ‌ترین جنگ ترکیبی رسانه‌ای جهانی از جانب امپریالیست‌ها علیه یک کشور مستقل عضو سازمان ملل متحد است. حقیقتاً ننگ دارد کسانی در تأیید همدستی با دشمنان مردم ایران چنین ابراز شادمانی و مسرت کنند و خود را دموکرات، آزادی‌خواه، هوادار حقوق زنان و حقوق بشر و طبقه کارگر جا زنند. به نظر حزب ما عمر این پروژه‌ها دیگر به سر آمده است و حتی دم مسیحا نیز قادر نیست به آنها جان تازه‌ای دهد.

ادامه در شماره آینده

۱ - از آنجا که حزب ما معنای این واژه را برخلاف طبقه کارگر و زحمتکشان و میلیون‌ها زنان و مردان ایران نمی‌دانست، ناچار با جستجوگر «گوگل» برای فهم مطلب در شبکه مجازی به کاوش پرداخت که این تعریف را یافت: «کوئیر (به انگلیسی: Queer) یک اصطلاح چتری برای اقلیت‌های جنسی و جنسیتی است که غیر دگرجنس‌گرا و غیر هم‌سوجنسی هستند. «کوئیر» در اصل به معنی «عجیب و غریب» است و در گذشته علیه کسانی که تمایلات یا روابط همجنس‌گرایانه داشتند، استفاده می‌شد. از اواخر دهه ۱۹۸۰، فعالانی که خود را «کوئیر» نامیدند، دست به بازپس‌گیری این واژه به عنوان یک جایگزین برای افراد «ال‌جی‌بی‌تی» (LGBT) زدند.» این «کوئیرها» در جنبش اخیر زنانه در ایران ظاهراً شرکت وسیع داشته‌اند که مبتکران منشور از آن خبر داشته‌اند.

شرط بوده و حتی «رضا پهلوی» و اوپاشان تحت فرمان «پرویز ثابتی»‌ها، «فرقه رجوی» و حتی بخشی از «حزب‌اللهی»‌ها نیز در آینده ایران در آن حق حیات بی‌قید و شرط دارند؟!!

نه غزه نه لبنان جانم فدای اسرائیل

جمعی با برنامه حداقل که به یکباره زمام احساسات از دستش رها شده، بند را به آب می‌دهد و حتی برای تعیین سیاست خارجی ایران کنونی و آینده نیز برنامه ریخته و دستورالعمل صادر می‌کند. در بند ۱۲ می‌آورد:

«عادی‌سازی روابط خارجی در بالاترین سطوح با همه کشورهای جهان بر مبنای روابطی عادلانه و احترام متقابل...» (تکیه از توفان).

هدف از این بند روشن است و این ادامه همان سیاست «نه غزه، نه لبنان، جانم فدای اسرائیل» است که ضدانقلابی‌ها در ایران، که همیشه خواهان سرسپردگی به غرب بوده‌اند، سال‌هاست آنرا در فضای مجازی تبلیغ می‌کنند. این عده بر جنایات آمریکا در یوگسلاوی، افغانستان، عراق، لیبی، سوریه و یمن... مهم‌تر از همه جنایات صهیونیسم در منطقه چشم بسته‌اند و همان ترجیح‌بند امپریالیستی را چنین القاء می‌کنند که این ایران است که در منطقه به تشنج‌آفرینی دست‌زده و صلح و امنیت جهان را به خطر انداخته است. برای کسانی که ارباب‌شان آمریکا و اسرائیل است و از دست انقلاب ایران رنج می‌برند، طبیعتاً امنیت و آرامش اربابان‌شان در درجه نخست اهمیت قرار دارد. آنها طوری از عادی‌سازی روابط صحبت می‌کنند که تو گوئی نمی‌دانند معبود آنها غرب غارت‌گر، میهن ما ایران را سال‌هاست به صورت ضدبشری و غیرقانونی تحریم کرده و هموطنان ما را به گرسنگی محکوم کرده است. آنها حضور یک کشور اشغالگر و متجاوز اسرائیل در منطقه و حضور فعال تجاوزکار استیلاگری به نام آمریکا را، که از یازده هزار کیلومتری به‌خلیج فارس آمده و امنیت ایران و ممالک منطقه را تهدید می‌کند، بی‌گناه جلوه می‌دهند و حتی بدون برگزاری دادگاه برایش سند تبرئه صادر می‌کنند. سیاست این جمع با نام‌ها و فعالیت مجازی، مخالفت با مضمون سیاسی انقلاب بهمن ۱۳۵۷ و دست‌آوردهای آن بوده و امروز نیز همان سیاست امپریالیسم و صهیونیسم را در منطقه مورد تأیید قرار می‌دهند و از تروریسم دولتی آمریکا حمایت کامل می‌کنند. در بیانیه آنها سخنی از استقلال ایران، دفاع از حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران در میان نیست. آنها تحریم‌های جنایت‌کارانه علیه ایران را محکوم نمی‌کنند و خواهان آن نیستند که ثروت مسدود شده ایران در ممالک

شرکت کردند. رفقای حزبی در استکهلم با پخش بیانیه‌هایی به مناسبت اول ماه مه، تشریح اوضاع مصیبت‌بار کارگران ایران، علل بحران و ادامه جنگ در اوکراین و نقش مخرب و جنگ افروزانه امپریالیسم آمریکا و ناتو همبستگی خود را با کارگران ایران و جهان ابراز داشتند.

رفقا با فروش مجسمه‌های مارکس، انگلس، لنین و استالین...، کتب فارسی و سوئدی و برافراشتن پرچم حزب توجه بسیاری از علاقمندان بویژه کمونیست‌های جوان و عابران و توریست‌های خارجی را جلب نمودند و با بحث‌های سازنده جلوه‌ای از همبستگی بین‌المللی را به نمایش گذاشتند. آکسیون اول ماه مه رفقا با موفقیت به پایان رسید.



آلمان/برلن: عصر روز دوشنبه هزاران نفر، که اکثرشان را جوانان تشکیل می‌دادند، در تظاهراتی با شکوه تحت عنوان: «تظاهرات انقلابی اول ماه مه» در منطقه Neukölln شهر برلن شرکت کردند. در این تظاهرات ملیت‌های مختلف از فلسطینی و ایرانی گرفته تا اسپانیایی، ایتالیایی و آمریکایی لاتینی نیز شرکت گسترده داشتند.

عمده شعارها و خواسته‌های تظاهرکنندگان عبارت بودند از:

- « ما خواهان جهانی بهتر هستیم خالی از استثمار، ظلم، سرکوب و ستم!
- « نه به جنگ ناتو علیه روسیه!
- « جنگ راه حل نیست!
- « نه به جنگ جهانی سوم، که نابودی بشریت را به همراه خواهد آورد!
- « این سیستم است که باید نابود شود و نه بشریت!
- « زمان آن فرا رسیده است که برای انجام یک انقلاب واقعی سازمان‌دهی کنیم!

شعار رفقای توک:

« یالا مبارزه طبقاتی



گزارش کوتاهی از فعالین حزب کار ایران (توفان) به مناسبت اول ماه مه در کشورهای مختلف

سوئد/استکهلم: طبقه کارگر هر ساله این روز را به مناسبت تظاهرات عظیمی که کارگران شیکاگو در روز اول ماه مه سال ۱۸۸۶ برپا داشتند، گرامی می‌دارد. تظاهرات کارگران شیکاگو آن روز توسط پلیس سرمایه به خاک و خون کشیده شده، ولی یاد این روز از خاطره‌ها محو نگشت و اول ماه مه جلوه‌ای از همبستگی جهانی پرولتاریا در سراسر جهان گردید. در این مدت سرمایه‌داری جهانی کوشش بسیار کرد، تا این روز را از میان بردارد، زیرا هراس سرمایه‌داری از اتحاد و همبستگی و تشکل پرولتاریاست. آنجا که این دسیسه با مقاومت کارگران روبرو شد، بر این روز، «روز کار» نام نهاد و با این عمل وحشت خود را از نام «کارگر» عیان ساخت.

در این روز، کارگران همه کشورها، سوای رنگ، ملیت و مذهب، فرارسیدن زندگی آگاهانه خویش را در پیکار علیه بیکاری، گرسنگی، استثمار و بینوائی جشن می‌گیرند و در این پیکار مشترک دو جهان در برابر هم صف‌آرایی می‌کنند؛ جهان سرمایه و جهان کار، جهان استثمار و بردگی، جهان برابری و برادری. خواست همه کارگران جهان محو و نابودی استثمار و بنانهان جهانی بری از جنگ، فاشیسم و راسیسم، جهانی بری از فقر و همه مظاهر نظام انگلی سرمایه‌داری است.

فعالین حزب کار ایران (توفان) طبق سنت همیشگی با پرچم و پلاکاردهای متنوع از جمله در مورد افشای سازمان تروریستی ناتو و انحلال آن، تصاویر رنگی کلاسیک‌های مارکسیسم و بیانیه‌های حزب به زبان فارسی و سوئدی، برگزاری میز کتاب با آثار فارسی و سوئدی در میتینگ حزب کمونیست

در مورد نقش آمریکا در فرسایشی کردن جنگ در اوکراین و خطر جنگ جهانی به روشنگری پرداختند و مورد استقبال شرکت کنندگان قرار گرفتند. این آکسیون با موفقیت پایان یافت.

زنده باد همبستگی بین‌المللی!

زنده باد سوسیالیسم این تنها پرچم رهایی بشریت!



هلند/آمستردام برگزاری تظاهرات اول ماه مه در آمستردام هلند توسط بزرگ‌ترین اتحادیه کاری در این کشور. در این تظاهرات گروه‌ها و سازمانهای سیاسی و فرهنگی مختلفی شرکت داشتند. فعالین حزب کار ایران (توفان)، نیز با پرچم حزب در این تظاهرات شرکت کردند و همبستگی خود را با کارگران سراسر جهان ابراز داشتند

سرتگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم



از انتشارات حزب کار ایران (توفان)
جهت تهیه این اثر با ما تماس حاصل فرمائید

- « علیه فاجعه محیط‌زیست
- « علیه نظام اقتدارگرایی سرمایه داری
- « بحران خود را بر گرده ما سوار نکنید
- « صلح و سوسیالیسم خواست ماست
- « ما علیه سرمایه‌داری در سراسر آلمان دست به اعتصاب خواهیم زد
- « سوسیالیسم آری، خودخواهی نه
- « مبارزه علیه فاشیسم
- « زنده باد همبستگی بین‌المللی

و...

این تظاهرات را هزاران پلیس مسلح همراهی می‌کرد که در پایان پس از تحریکات فراوان علیه تظاهرکنندگان، با یک حمله گازانبوری و استفاده از اسپری فلفل و باتوم سعی در متفرق کردن آنها داشت.

علاوه بر این صبح امروز نیز هزاران نفر در تظاهرات سندیکاها در مقابل شهرداری برلن شرکت داشتند.



آلمان/کلن: فعالین حزب کار ایران (توفان) روز اول ماه مه در میدان Heumarkt شهر کلن آلمان، با برپایی میز کتاب و پرچم‌هایی علیه سرکوب کارگران ایران، علیه تجاوزات امپریالیستی پیمان نظامی ناتو و مبارزه برای «انحلال» این بزرگ‌ترین سازمان تروریستی دولتی جهان برگزار کردند که مورد استقبال وسیع شرکت کنندگان، بویژه آلمانی‌ها در تظاهرات قرار گرفت. رفقا با نمایش کتاب‌های نفیس و حتی هدیه دادن کتاب‌های کم حجم و تخفیف، و دادن آش رشته و پخش شیرینی جلوه‌ای زیبا از همبستگی را به نمایش گذاشتند. فعالین حزب با پخش بیانیه روز کارگر به زبان آلمانی و فارسی و بحث‌های سازنده با شرکت کنندگان در مورد وضعیت مصیبت‌بار کارگران ایران، در مورد نقش مخرب امپریالیسم آمریکا در تشدید تحریم‌های ضدانسانی اقتصادی، در مورد افشای رژیم صهیونیستی و ترور و جنایت علیه خلق فلسطین،

ماه را هم نمی‌دهد! اگر اعتراضی از جانب کارگر و یا هر مستخدم دیگر، مبنی بر ناچیز و کافی نبودن مزد صورت گیرد، «کارفرما» چون می‌داند که لشکر عظیمی از بیکار وجود دارد، در پاسخ با خونسردی و «محترمانه» خواهد گفت که: «شما مخیر هستید به دنبال شغل دیگری بروید و در جایی که حقوق بیش تری می‌دهند، استخدام شوید. در مسلک ما هیچگونه اجباری برای کار کردن در میان نیست و همه آزادند که مسیر زندگی خویش را خود تعیین کنند و به دنبال شرایط بهتری باشند!؟»

آیا در واقعیت اینطور است؟

برای پاسخ، به اختصار، به روند پیدایش، اوج و افول نظم سرمایه‌داری در غرب، اشاره‌ای می‌کنیم.

نطفه‌های اولیه سرمایه‌داری، بویژه در اروپا و بعدتر در آمریکا، از دل اقتصاد محدود و بسته سیستم فئودالی پاک‌گرفت و مانند هر پدیده نو و تازه، قرن‌ها بر علیه مناسبات کهنه و دست و پا گیر کلیسا - شاه - اشرافیت - زمیندار هم در عرصه فرهنگ و سیاست و هم نظامی‌گری جنگید و بالاخره قدرت سیاسی و اجتماعی را به دست آورد، رشد کرد و بالید و به اوج شکوفایی خود در قرون ۱۸ و ۱۹، رسید؛ دورانی که در اثر «رقابت آزاد»، صنایع رشد عظیمی کردند و اختراعات و ابداعات و فن‌آوری و علوم به شکوفایی رسیدند و جهان و شکل زندگی بشریت به معنای واقعی کلمه دگرگون شد. از آنجایی که خصلت سرمایه‌داری کسب هرچه بیشتر سود و انباشت ثروت و تولید دیوانه‌وار کالا برای فروش در بازار و نه برای نیاز جامعه و انسان است، از اواخر قرن نوزدهم و به مرور زمان دریافت که بازار داخلی اش متقاضی کالاهای تولیدشده نیست و قدرت خرید جامعه در اثر استثمار و مزد پایین به ضعف گرائیده و کوهی از کالا روی دستش مانده و خریدار ندارد. برای برون رفت از چنین بحران عمیق اجتماعی چاره را در بازاریابی و استعمار و تسلط بر ممالک دیگر در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین دید و لذا از طریق جنگ و لشکر کشی اکثر کشورهای سه قاره را به مستعمره خود تبدیل کرد و در همین زمان‌ها بود که از مرحله سرمایه‌داری رقابتی گذر کرد و وارد مرحله امپریالیستی و انحصاری شد. بیش از صدسال است که حاکمیت جهان در دست امپریالیست‌هاست که برای کسب ثروت، بمانند جانوران وحشی منتها در رقابت با هم، یکدیگر و دیگر کشورهای سه قاره را می‌زدند تا بازار جدیدی برای فروش محصولات خود بیابند! جنگ اول و دوم جهانی در ابتدای قرن بیستم و ده‌ها جنگ و تجاوز و کودتا در صدسال اخیر در کشورهای مختلف، گواه این مدعاست. می‌دانیم که سرمایه‌داری و مرحله بالاتر آن یعنی **امپریالیسم** هم مانند هر پدیده دیگر کائنات



عابراالزبیری amercartoon@gmail.com

سخنی پیرامون امکانات حقوقی و حقیقی در نظام سرمایه‌داری

کثیری از مردم ایران و دنیا، دانسته و نه‌دانسته، آگاه و ناآگاه از ماهیت و سرشت نظام سرمایه‌داری، به عمد و یا تحت تأثیر تبلیغات فریبنده‌ی گول‌های رسانه‌ای غرب، مبنی بر وجود «دموکراسی، حقوق بشر، آزادی، اختیار، دنیای آزاد، سرزمین فرصت‌ها...» بر این نظر مصرتند که خوشبختی و بدبختی آدم‌ها حاصل عمل و رفتار و عقل و اندیشه‌شان است!

به سخن دیگر، فقیر و یا ثروتمند بودن به خود آدم‌ها بستگی دارد! اگر در ایران و در جهان سرمایه‌داری صدها میلیون بیکار، بیمار، فقیر، بی‌مسکن و گرسنه وجود دارد، تقصیر از خودشان است! یا از هوش کافی برخوردار نیستند و یا از روی تنبلی و راحت‌طلبی تن به کار نمی‌دهند! و برای اثبات نظرات‌شان از خرپول‌های نظیر «بیل گیتس»، «ایلان ماسک»، «استیو جابز» و از خانواده‌های میلیاردی دلاری در ایران نظیر خانواده «قالیباف»، «حکیم»، «لاریجانی»، «رفسنجانی»، «اقبالیان» و صاحبان بانک‌های خصوصی و غیره مثال می‌آورند!

می‌دانیم که در سیستم سرمایه‌داری برخلاف نظام برده‌داری و یا فئودالی، آدم‌ها را با زور و شلاق و حبس مجبور به کار نمی‌کنند بلکه با سلاح **گرسنگی**، که وسیله‌ای مرموز و بسیار مهلک‌تر است و غالباً از دید عموم مخفی است، انسانها را وادار به کار بردگی و استثمار می‌کنند؛ بدین معنی که سرمایه‌دار در صورت استخدام کارگر و کارمند و غیره مبلغی به دلخواه خود به عنوان دستمزد ماهیانه تعیین می‌کند که مزد پیشنهادی وی کفاف هزینه‌های نصف



«روز نکبت»، سیاه‌ترین روز تاریخ

فلسطین

برگی از تاریخ

امروز یکشنبه ۱۴ ماه می «روز نکبت» است، روزی است که حتی با گذشت بیش از ۷۵ سال از وقوع آن، از ذهن مردم آزاده جهان و خلق فلسطین لحظه‌ای پاک نشده است. در این روز هزاران تن از مردم فلسطین با اقدامات وحشیانه و رژیم متجاوز و اشغالگر صهیونیستی مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شدند.

یکم: در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷ سازمان ملل طرح تقسیم و تجزیه فلسطین به دو دولت یهودی و عربی را تصویب کرد. در آن زمان یهودیان یک سوم جمعیت فلسطین را تشکیل می‌دادند و بر ۶ درصد از زمین‌های فلسطین تسلط داشتند؛ اما طرح سازمان ملل ۵۵ درصد از مساحت فلسطین را به آنها می‌بخشید. فلسطینیان و هم‌پیمانان عرب آنها طرح مذکور را رد کردند، اما جنبش صهیونیسم با آن موافق بود، چرا که این طرح به ایجاد یک حاکمیت صهیونیستی در زمین‌های فلسطین مشروعیت می‌بخشید. البته، صهیونیست‌ها به آن هم پایبند نشده و در سال ۱۹۴۸ ده‌ها شهر و روستای فلسطینی را اشغال و ساکنان اصلی را اخراج کردند.

با تصمیم انگلیس برای خروج از فلسطین در ۱۴ مه ۱۹۴۸، «بن گوریون»، رئیس وقت کمیته اجرایی آژانس یهود تحت قیمومت انگلیس، رسماً برپایی حاکمیت صهیونیسم را اعلام

دارای عمری «مفید» است. به عنوان مثال می‌توان از عروج و هبوط امپریالیسم بریتانیای کبیر، امپریالیسم آلمان نازی و فرانسه و غیره... و اخیراً از نشانه‌های افول امپریالیسم آمریکا و دلارش نام برد! امپریالیسم در اثر مبارزات کارگران و خلق‌های تحت ستم و استعمار، چاره‌ای جز زوال و سقوط ندارد.

جمهوری سرمایه‌داری انگلی و ربایی و رانتخوار اسلامی حاکم بر ایران هم مانند دیگر نظامات سرمایه‌داری، همان روش و همان سیاست ضد کارگری و ضد مردمی را به ظاهر و شکلی دیگر در دستور کار قراردادده و می‌دهد! پیروی از اقتصاد «نتولیبرالی» و خصوصی‌سازی، تقلید و پیاده کردن سیاست‌های اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، بازگذاشتن درهای مملکت به روی کالاهای خارجی، مخالفت با هرگونه دخالت دولت در امور اقتصادی، سپردن اقتصاد و بازار به دست مشت‌آدم‌های بی‌مایه، عقب افتاده، دزد و فاسد و سرسپرده به غرب، نظیر «موسی غنی‌نژاد»ها و «زیباکلام»ها و صدها نفر دیگر از این قماش در اتاق‌های بازرگانی، بانک‌های خصوصی، مدارس و بیمارستان‌های خصوصی و غیره...، ولنگاری در کنترل تورم و گرانی‌های کمرشکن، آزاد گذاشتن قیمت‌ها، چپاول و غارت ثروت‌ها و دارائی‌های متعلق به مردم و هزاران نمونه خانمان‌برانداز دیگر، نشان از ماهیت و سرشت ضد مردمی سرمایه‌داری انگلی حاکم بر ایران دارد! در ایرانی که تمامی هزینه‌ها، از مواد غذایی گرفته تا اجاره مسکن، تا پوشاک و خرید هر نوع کالا و حتی کرایه ایاب و ذهاب و حمل و نقل با «دلار» محاسبه می‌شود، چگونه می‌توان با دستمزدهای زیر ۱۵۰ و زیر ۲۰۰ دلار در ماه زندگی کرد؟!

پاسخ این سوال را وزیر کار شیاد اینگونه می‌دهد: «با قناعت می‌شود با حقوق کارگری زندگی کرد.»؟! هر آدمی هراندازه ساده و بی‌سواد سیاسی به خوبی می‌داند که کرایه خانه، پول دوا و دکتر، خرج روزانه و خوراک و پوشاک، هیچ نسبتی با «قناعت» ندارد! افزایش ۲۷ درصدی حقوق کارگران و بازنشستگان هم هیچ تناسبی با افزایش بیش از ۵۵ درصدی تورم در ابتدای سال ۱۴۰۲ ندارد! کارگزاران جمهوری سرمایه‌داری اسلامی ایران هم هیچگونه تناسب و قرابتی با تمدن چند هزار ساله ایران و ایرانی ندارند! سیستم سرمایه‌داری هم هرگز با کارگران و زحمتکشان ایران سر آشتی ندارد و در چنین سیستمی هیچگاه شرایط و امکانات برابر در انتخاب نوع زندگی وجود نخواهد داشت!

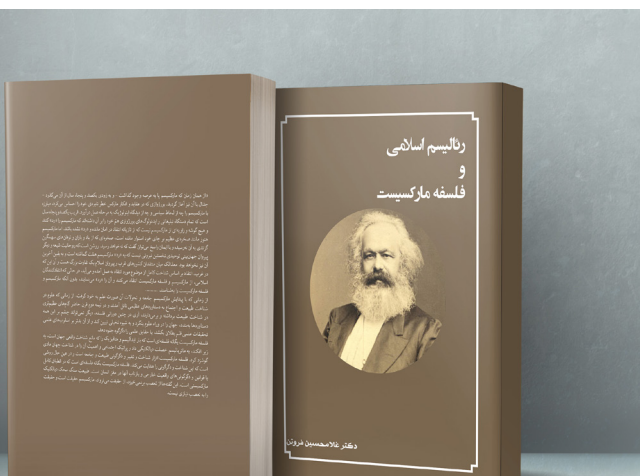
برای برون رفت و رهائی از این همه ظلم و ستم سرمایه‌داری چاره‌ای برای کارگران و زحمتکشان جامعه وجود ندارد، مگر وحدت و تشکیلات در یک حزب راستین طبقه کارگر.

«ز روی دوست، دل دشمنان چه دریابد؟
چراغِ مُرده کجا؟ شمعِ آفتاب کجا؟*»

ضروری است، انسجام و همبستگی و اتحاد ملی خلق فلسطین
سوی اختلافت ایدئولوژیک رزمندان فلسطینی و پشتیبانی
مردمان آزاده جهان از آرمان فلسطین تا رفع اشغال از این
سرزمین است.

تنها راه حل نهایی و عادلانه برای حل مساله فلسطین، اتخاذ
دمکراتیک‌ترین راه است و آن، برگزاری همه‌پرسی در این
سرزمین پس از آزادی تمامی اسرای فلسطینی از سیاه‌چال‌های
رژیم آپارتاید اسرائیل و بازگشت تمامی آوارگان فلسطینی به
موطن خود، است. از طرفی اخراج یهودیان صهیونیست چند
تابعیتی وارداتی از ممالک اروپایی آمریکائی، که هیچ ربطی به
فرهنگ و مردم این سرزمین ندارند و به فلسطین صادر شده‌اند،
باید به عنوان یک خواست انسانی و ملی اجرا شود. خلق فلسطین
دارای هویت، اصالت و حق حاکمیت بر سرزمین خود هستند
و همچون سایر ملل جهان از حق تعیین سرنوشت برخوردارند.
بنابر این لازم است که سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و مردم
نهاد ذیربط و آزادگان جهان در این مسیر گام بردارند. قطعا
رأی مردم برای یک فلسطین بزرگ و دمکراتیک، که همه
اقوام و ادیان اسلامی و مسیحی و یهودی... با حقوق مساوی در
کنار هم به صورت صلح‌آمیز و در کمال آرامش زیست کنند،
راه حل سرزمین اشغالی فلسطین است. ملت فلسطین تا تحقق
این آرمان و حقوق ملی آرام نخواهد گرفت و به نبردش علیه
متجاوزین صهیونیست ادامه خواهد داد.

زنده باد نبرد رهایی‌بخش خلق فلسطین علیه متجاوزین
صهیونیست!



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتی با ما تماس حاصل فرمائید

کرد.
۱۴ مه ۱۹۴۸ به عنوان روز «نکبت» معرفی شد، «نکبت» یادآور
تبعید اجباری و دسته جمعی بیش از ۷۵۰ هزار فلسطینی از
منازل و زمین‌هایشان است. این روز همچنین یادآور قتل‌عام
حدافل ۱۰ هزار فلسطینی در کشتارهای دسته جمعی رژیم
اسرائیل است.

پروژه‌های رژیم صهیونیستی برای اخراج کامل فلسطینیان از
زمین‌هایشان ادامه یافت و آنها تا امروز با کودک‌کشی، ضرب
و شتم و قتل عامل ملت فلسطین، محاصره و تحریم مناطق
فلسطینی‌نشین، اخراج صاحبان اصلی فلسطین از خانه و کاشانه
خود، شهرک‌سازی‌های غیرقانونی و ... در مسیر از بین بردن
همه نمادها و میراث فلسطین، حرکت کرده و این امر منجر
به بدتر شدن شرایط و آوارگی ۶ میلیون فلسطینی شده است.

دوم: از سال ۱۹۴۸ تاکنون، مجمع عمومی و شورای امنیت
سازمان ملل جمعاً بیش از ۲۲۵ قطعنامه لازم‌الاجرا در مورد
تجاوزات صهیونیست‌ها، کشتار مردم فلسطین و شهرک‌سازی
(در زمین‌های فلسطینی‌ها در اراضی موضوع قطعنامه ۲۴۲ در
نوامبر ۱۹۶۷، پس از جنگ ۶ روزه ژوئن ۱۹۶۷)، تصویب
کرده است که این رژیم متجاوز، حتی به یکی از این قطعنامه‌ها
نیز گردن ننهاد است.

امپریالیسم آمریکا و امارش بدون توجه به حقوق فلسطینیان
و با نقض آشکار قوانین و مقررات بین‌المللی و چشم پوشی از
تعهدات خود، طرح‌هایی را ارایه داده‌اند که کاملاً در راستای
تداوم اشغالگری رژیم اسرائیل بوده است. معامله قرن و «طرح
ابراهیم» از این نوع بوده‌اند. آمریکا حتی پا را فراتر گذاشت و
سفارت خود را به بیت‌المقدس انتقال داد و برخی از کشورهای
عربی را به سازش و برقراری روابط با رژیم اسرائیل مجبور
ساخت.

رژیم اسرائیل با برخورداری از چراغ سبز همیشگی آمریکا
در قبال جرم و جنایت و خیانت و سکوت سایر کشورهای
منطقه‌ای و غربی، علاوه بر داشتن بزرگ‌ترین زرادخانه
هسته‌ای در خاورمیانه، که صلح و ثبات جهانی را تهدید
می‌کند، در بمباران و خرابکاری تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای
سایر کشورهای منطقه و ترور دانشمندان هسته‌ای آنها ید
طولایی دارد. تمامی این اقدامات برخلاف قوانین و مقررات
بین‌المللی بوده و می‌تواند به فاجعه‌های بشری و محیط‌زیستی
گسترده منجر شود.

سوم: با توجه به تمامی واقعیات مرتبط با مساله فلسطین، آنچه
در چنین فضای بین‌المللی و دود و آتش اشغالگری، لازم و



«بیانیه اجلاس جده»: توافق درباره ضرورت همبستگی برای حل مسائل کشورهای عربی

رهبران عرب در بیانیه پایانی سی و دومین اجلاس سران کشورهای عضو اتحادیه عرب، که جمعه ۲۹ اردیبهشت در شهر جده سعودی برگزار شده و به فعالیت‌های خود پایان داد، در فضائی مملو از خوشبینی و وفاق بر ضرورت همبستگی برای حل مسائل و چالش‌هایی که امت عرب با آن مواجه است، توافق کردند.

به گزارش «العریبه»، از موضوعات مورد توافق سران عرب در اجلاس جده، علاوه بر پرداختن به بحران‌های نوظهور در سودان و لیبی، مسائلی نظیر اوضاع در یمن، سوریه و لبنان مورد بررسی قرار گرفت و در رأس آنها بر مسأله فلسطین و حمایت از طرح صلح عربی، مبتنی بر «راه حل دو کشور» تأکید شد. سران اتحادیه عرب در بیانیه پایانی اجلاس دوره‌ای خود در جده سعودی تأکید مطلق خود را در حمایت از حاکمیت کشور امارات متحده عربی بر جزایر سه گانه تنب‌های کوچک و بزرگ و ابوموسی، ابراز داشتند. در ارتباط با پرونده ایران طی بیانیه پایانی اجلاس جده از توافق حاصله میان پادشاهی عربی سعودی و ایران در پکن، که شامل از سرگیری روابط دیپلماتیک، بازگشایی سفارتخانه‌ها و فعال‌سازی توافق همکاری امنیتی و اقتصادی میان دو کشور می‌شود، استقبال شد.

همه با هم! «اسد باید برود!»

اما بعد چه شد؟

بخاطر بیاوریم که چگونه آمریکا و ناتو با همکاری متحدین منطقه‌ای خود از اسرائیل گرفته تا عربستان و امارات و قطر و ترکیه میلیاردها دلار برای به اجرا گذاردن طرح خاورمیانه بزرگ، که هدف نهایی آن شکست و تجزیه ایران بود، سرمایه‌گذاری کردند و از سراسر اروپا و آسیا برای داعش سربازگیری کردند و تجهیزات در اختیارشان گذاردند و رسانه‌های جهان را برای این پروژه به کار گرفتند، تا منطقه خاورمیانه و آسیای میانه را از رفتن به حوزه اقتصادی شرق بازدارند. این پروژه با حضور روسیه، ایران و جبهه متحد مقاومت، معروف به «محور مقاومت» و ضعف سیستماتیک آمریکا به شکست انجامید و امروز اتحادیه عرب به استقبال رسمی سوریه می‌رود. عربستان دوستی با ایران را بر تداوم خصومت برتری می‌بخشد و چین نقشی اساسی و محوری در امر ساختمان صلح و ثبات در منطقه ایفا می‌کند. سیاست تثبیت صلح و روابط ملل خاورمیانه در برابر سیاست تفرقه و جنگ و ویرانی و خصومت‌های قومی و ملی قرار گرفته و این روند در تحلیل نهایی نه تنها به نفع منافع ایران امروز و ایران فردا خواهد بود، بلکه به سود همه ملل جهان است. جهان چند قطبی، که قواعد دنیای تک قطبی را برهم می‌زند و در این جابجایی‌ها ملل تحت ستم و عقب‌نگاه داشته شده فرصتی و مجالی برای رشد و توسعه می‌یابند، حق تعیین سرنوشت ملل بطور نسبی و تا حدود زیادی متحقق خواهد شد. دخالت‌گری‌ها و جنگ‌ها و کودتاها و انقلابات مخملی جای خود را به روابطی مبتنی بر احترام خواهد داد. این تغییر امریست مثبت، ولی ما در دنیای انحصارات و در عصر امپریالیسم زندگی می‌کنیم. چین و روسیه این قدرت‌های نوپا، که نظمی جدید بنیان می‌گذارند، خود تابع قوانین طبقاتی نظام امپریالیستی هستند و آنها را از آن گریزی نیست. منتها تا آن زمان فرصتی برای جوامع عقب‌نگاه داشته شده بوجود می‌آورد تا به اقتصاد ملی خود سر صورتی بدهند؛ کمبودهای خود را جبران کنند؛ زیرساخت‌های خود را یا بازسازی کنند و یا از نو بسازند؛ از تکنولوژی مدرن امروز استفاده کنند، امری که تاکنون در انحصار دنیای غرب است. نمی‌توان این دورنما را دید و با آن از در مخالفت درآمد. مگر اینکه ارادت به غرب تا آن اندازه فزون باشد که در برابر این تحول جبری سدی بسازند و از تمام امکانات موجود استفاده کنند تا در این مسیر گامی برداشته نشود. تحرکات روس‌ها و چین‌ستیزان در ایران، که عمدتاً منشأ درون حاکمیتی دارند، به وضوح قابل تشخیص است. کافیتست به «دنیای اقتصاد» نگاهی بیندازید، «روزنامه ایران»، «اعتماد»، «ابتکار»، «ایران فردا»، «اندیشه نو» و غیره... اینها رسانه‌های غرب‌گرایان و شرق‌ستیزان و نئولیبرال‌های اسلامی‌اند که به دنبال خصوصی‌سازی‌ها و تاراج اموال ملی هستند.*



فرخنده باد هفتادوهشتمین سالروز پیروزی بر فاشیسم

امروز نهم ماه مه، هفتادوهشتمین سالروز جشن پیروزی بر فاشیسم است. پیروزی بر دیو فاشیسم برای تمام بشریت دارای اهمیت تاریخی بسیار بزرگی است. درهم شکسته شدن قدرت‌های فاشیستی، به خلق‌های در بند امکان داد تا به آزادی و استقلال نائل آیند، شرایط مناسبی برای پیروزی سوسیالیسم در عده‌ای از کشورها و برای اعتلاء جنبش آزادی‌بخش انقلابی و ملی، برای تکان دادن و فروریختن سیستم مستعمراتی پدید آید.

جهان کار و ترقی، مبارزه عظیم خلق‌های اتحاد جماهیر شوروی استالینی را برای درهم شکستن فاشیسم و سپس برای برقراری صلح عادلانه، برای برقراری جامعه مشترکی از ملت‌ها بر اساس تساوی حقوق، عدم مداخله و همکاری، که از تهدیدات امپریالیستی، اعمال فشارها و ارباب میری باشد، ارج گذاشت و اکنون نیز مانند گذشته ارج می‌گذارد.

در سالروز جشن تاریخی پیروزی بر فاشیسم، مطبوعات، رسانه‌های امپریالیستی، زمامداران شارلاتان و دروغ‌گویان این کشورها در نوشته‌ها و نطق‌های خود به مناسبت این واقعه تاریخی حتی کلمه‌ای هم درباره مردی، که در زمان جنگ در رأس دولت شوروی و ارتش سرخ قرار داشت و بزرگ‌ترین نبردها را علیه ارتش هیتلری سازمان داد و خلق‌های شوروی را به نبردی افسانه‌ای و توده‌ای برانگیخت، بر زبان نمی‌آورند تو گوئی چنین واقعه تاریخی و چنین رهبری، که هدایت‌کننده این نبرد ضدفاشیستی بود، وجود نداشته است.

اما همه می‌دانند که بسیج مردمی و ضدفاشیستی رهبری اتحاد شوروی در جنگ کبیر میهنی، سازمان دادن و رهبری نبرد افسانه‌ای ارتش سرخ، که قدرت نظامی آلمان نازی را نابود کرد و بر آن پیروز شد، با نام «استالین» عمیقاً درآمیخته است. میلیون‌ها تن از زنان و مردان خلق‌های شوروی در میدان‌های نبرد بر خاک افتادند، در حالی که نام «استالین» را بر لب داشتند. تصویر و اندیشه‌های او منبع الهام و پرچم مقاومت ضدفاشیستی خلق‌های شوروی و جهان بود. بنا بر این احمقانه است از جنگ میهنی اتحاد شوروی و پیروزی بر فاشیسم سخن گفت، اما از نام و نقش «استالین» یاد نکرد، آنطور

در این بیانیه همچنین بر ضرورت مخالفت کامل با وجود هرگونه گروه‌های شبه‌نظامی و نهادهای مسلح خارج از چارچوب حکومت‌ها و ضرورت یکپارچگی مواضع در روابط کشورهای عربی با پیرامون منطقه‌ای و بین‌المللی تأکید شد طی بیانیه اجلاس جده، که در ۳۲ بند تنظیم شده به مسائل مختلف ضروری در جهان عرب از جمله مسأله فلسطین، بحران سوریه، اوضاع در لبنان و پرونده ایران گرفته تا مسائل زیست محیطی، امنیت سایبری و پرونده‌های اقتصادی و اجتماعی پرداخته شده است. اعضای اتحادیه عرب در این بیانیه بر محوری بودن مسأله فلسطین نزد کل امت عرب و هویت عربی قدس شرقی اشغالی، پایتخت دولت فلسطین و حق کشور فلسطینی در داشتن حاکمیت مطلق بر همه سرزمین‌های اشغال شده خود تا مرزهای ۱۹۶۷ و از جمله آن قدس شرقی و اهمیت فعال‌سازی «طرح صلح عربی» تأکید کردند.

در خصوص لبنان این بیانیه بر ضرورت ترغیب مقامات لبنانی به ادامه تلاش‌ها برای انتخاب رئیس جمهوری این کشور و تشکیل دولت در سریع‌ترین وقت ممکن و انجام اصلاحات اقتصادی برای برون‌رفت از بحران در لبنان تأکید کرد.

در ارتباط با سوریه «بیانیه اجلاس جده» بر پایبندی مجدد به محافظت از حاکمیت سوریه و تمامیت ارضی و ثبات این کشور و گسترش تلاش‌ها برای کمک جهت خروج از بحران آن و پایان دادن به درد و رنج مردم سوریه تأکید کرد.

سران عرب در بیانیه پایانی اجلاس خود بر همبستگی کامل برای محافظت از حاکمیت و استقلال و تمامیت ارضی سودان و مخالفت با هرگونه دخالت در امور داخلی آن به عنوان بحران داخلی و محافظت از نهادهای این کشور تأکید کردند.

همچنین درباره تحولات اوضاع در لیبی بر پایبندی به وحدت و حاکمیت و یکپارچگی سرزمینی لیبی و مخالفت با هرگونه دخالت خارجی در امور آن و ضرورت خویش‌داری و پرهیز از تنش‌زایی تأکید شد.

بی‌حزبی کارگران، شعاری انحرافی است!



جنایات ناتو علیه بشریت

بیش از ۴ هزار نفر از شهروندان صربستان، «کوزوو» و «متوها» علیه ناتو به دادگاه عالی صربستان شکایت کرده‌اند. این عده، که دچار بیماری سرطان شده‌اند، طبق نظر پزشکان متخصص، ابتلای آنها به این بیماری رابطه‌ای مستقیم دارد با بمباران این کشور در سال ۱۹۹۹ توسط ناتو با استفاده از بمب‌های اورانیومی. جنایتی که عمداً به فراموشی سپرده شده بود، زیرا که مرتکبین آن، آمریکا و ناتوی تجاوزگر و جنگ‌افروز بودند که برخلاف قوانین بین‌المللی، نه تنها در صربستان و کوزوو، که در تجاوز خود به افغانستان و عراق نیز از بمب‌های اورانیومی، این سلاح مرگبار، استفاده کردند و نه تنها مردم این کشورها، بلکه حتی پرسنل نظامی خود را نیز با اشعه رادیواکتیو این بمب‌ها دچار بیماری سرطان، با عواقب وحشتناک، زجرآور و بلندمدت ساختند. امپریالیست‌های ناتوی، که از فجایعی که در سه کشور فوق آفریده‌اند، درس عبرت نیاموخته‌اند، امروز هم استعمار فرتوت انگلستان مشغول تحویل این سلاح مرگبار به اوکراین است.

شکایت مردم صربستان علیه ناتو نه تنها نور امیدی در دل مردم این کشور، بلکه دو کشور افغانستان و عراق، که درگیر همین جنایت ضدبشری بودند، تاباند، تا علیه جنگ‌های راهبردی امپریالیست‌هایی که می‌خواهند با اعمال جنایت علیه بشریت بسیاری از انسان‌ها را به درد و رنج بی‌پایان مبتلا کرده و ایجاد رعب و وحشت کنند، مقاومت و مبارزه کنند.

در سال ۲۰۲۲ «سرجان آلکسیس» از شهر «نیش» در صربستان شکایتی علیه ناتو به دادگاه این کشور ارائه کرد. مدارکی که او از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۲ برای این شکایت گردآوری کرده است، مربوط است به ۴ هزار بیمار سرطانی که بیماری خود را مرتبط با بمباران اورانیومی سال ۱۹۹۹ توسط ناتو بر فراز

که رهبران امپریالیست‌های غرب و دشمنان ریز و درشت استالین می‌کنند. «استالین» و انقلاب اکتبر، «استالین» و جنگ میهنی و مارکسیسم - لنینیسم از هم جدائی ناپذیرند.

جشن هفتادو هشتمین سالروز پیروزی بر فاشیسم امسال در شرایطی برگزار می‌گردد، که در اوکراین، نبردی بر علیه نیروهای نئونازی و بر علیه امپریالیسم آمریکا و جبهه ناتو برای درهم شکستن نظم تک‌قطبی در جهان در جریان است. این جنگ برای همه دولت‌ها و ملت‌ها و حتی طبقه کارگر در جهان سرنوشت‌ساز بوده و جنبه حیاتی دارد. پیروزی ناتو در این جنگ، پیروزی ارتجاع مطلق، پیروزی استعمار و نئولیبرالیسم و میلیتاریسم عریان و ادامه وضع تاکنونی چند دهه معاصر است، ولی شکست ناتو گرچه نابودی امپریالیسم و سرمایه‌داری را دربر ندارد، ولی فضائی ایجاد خواهد کرد که امکان رشد کشورها و مبارزه طبقاتی را افزایش می‌دهد. فضای چندقطبی بیش‌تر قابل تنفس است، تا فضای خفقان‌آور یک قطبی، که با تجاوز، تحریم، نسل‌کشی، امر و نهی شکل می‌گیرد و مملو از تحقیر و توهین است و سرنوشت کشورها، ملت‌ها و انقلابات در گرو تصمیم آقای جهان یعنی آمریکا و ناتوست. در فضای چندقطبی حق حاکمیت ملی کشورها از امنیت بالاتری برخوردار است و سیاست تحریم ملت‌ها و گرسنگی دادن به آنها به بن بست می‌رسد. شکست ناتو در اوکراین پایان امپراطوری دلار و غارت ساده ملت‌ها توسط آمریکا و تشدید مبارزه تعیین‌کننده طبقاتی در آمریکاست. تضاد «کار و سرمایه» در بسیاری از ممالک در این فضا عمده می‌گردد و ما را به سوسیالیسم یک‌گام نزدیک‌تر خواهد کرد. نظم نوین آمریکا با تخریب و تجزیه یوگسلاوی شروع شد و با تجاوز به عراق به فرمان «جرج بوش (پدر)» رسماً اعلام گردید و از آن تاریخ عراق، لیبی، افغانستان، سوریه، یمن، ایران و بسیاری از ممالک جهان قربانی این نظم نوین شدند که اکنون به بن‌بست رسیده است. دنیای بعد از سرکوب نازی‌ها در اوکراین دنیای قبل از آن نخواهد بود.

«فاشیسم» فرزند سرمایه‌داری و امپریالیسم است و برای پیشگیری از تکرار این فاجعه تاریخی باید به بسیج توده‌ها و نیروهای انقلابی و ترقی‌خواه و صلح‌دوست علیه بربریت امپریالیسم کمر همت بست. اکنون امپریالیسم آمریکا با مدرن‌ترین و مهلک‌ترین سلاح‌های مخرب خود، هارترین و خطرناک‌ترین دشمن بشریت است و باید در مقابل آن ایستاد. خطر تجاوزات جدید از جانب امپریالیسم آمریکا افزایش می‌یابد و سیاست تجاوزکارانه و راهزنانه آمریکا، که جای رژیم فاشیستی هیتلر را گرفته است، خطرناک است. باید با آن مقابله کرد.

باشد که جشن هفتادو هشتمین سالروز پیروزی بر فاشیسم انگیزه‌ای گردد تا تمام خلق‌ها و نیروهای انقلابی و ترقی‌خواه علیه صهیونیسم و امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا متحد و بسیج شوند و همه مدعیان سلطه فاشیستی و تجاوزگری بر جهان را با شکست و نابودی مواجه گردانند.

فرخنده باد هفتاد و هشتمین سالروز پیروزی بر فاشیسم! *

صربستان می‌دانند. در این فاصله ناتو اعتراف کرده است که در سال ۱۹۹۹ بیش از ۱۵ تن بمب اورانیومی بر فراز بخش‌هایی از صربستان، نظیر «بوجانواک»، «پرسوو» و «ورانیه» ریخته است. از آن زمان تاکنون به علت اورانیوم موجود در این بمب‌ها سالانه ۳۰ هزار نفر در این کشور به بیماری سرطان مبتلا می‌شوند، در صورتی که تا قبل از بمباران ۱۹۹۹ در صربستان سالانه تنها ۷۰۰۰ نفر به این بیماری مهلک دچار می‌شدند. امروز صربستان در اروپا از نظر تعداد بیماران سرطانی در مقام اول و در سطح جهان در رده دوم قرار دارد.

«آنجلو فیورتارتالیو»، وکیل ایتالیایی که عضو تیم وکلای «سرجان آلکسیس» هست، وکالت ۳۵۰ نفر از سربازان و افسران ایتالیایی را که در تجاوز «نیروی حافظ صلح» ناتو به صربستان، در مناطق «کوزوو» و «متوهیا»، که در آنها بیش‌ترین بمب اورانیوم ریخته شده است، مستقر بودند و مبتلا به بیماری سرطان شده‌اند، بر عهده دارد. آزمایش خونی که از این بیماران انجام گرفته است، نشان می‌دهد که مقدار فلز موجود در خون آنها ۵۰۰ برابر حد مجاز است.

از ۷ هزار سرباز ایتالیایی، که در جنگ علیه صربستان شرکت داشتند، ۴۰۰ تن آنان تاکنون در اثر بیماری سرطان فوت کرده‌اند. قابل ذکر است که تعداد بیماران سرطانی تنها در صربستان افزایش چشمگیر نداشته است، بلکه در کشورهای همجوار نظیر بلغارستان، رومانی، مقدونیه شمالی و بوسنی هرزگوین نیز این بیماری افزایش یافته است. متخصصان و دانشمندان از این حرکت می‌کنند که پس از انفجار بمب‌های اورانیومی، ذرات بسیار ریزی به طور وسیع پخش می‌شوند. آنها در عین حال معتقدند که ۴،۵ میلیارد سال طول خواهد کشید تا این ذرات مضمحل شوند. به دیگر سخن این ذرات در هزاره‌های بعدی در خاک مناطق مذکور باقی خواهند ماند. به این ترتیب ناتو به سرکردگی امپریالیسم آمریکا با به کار بست این بمب‌ها نه تنها جنایت علیه بشریت مرتکب شده است، بلکه با جنایت علیه زیست‌بوم صربستان و کشورهای همجوارش اقدام به نابودی تنوع‌زیستی و گونه‌های مختلف جانداران، و نباتات نیز نموده است.

اکنون هر ماه ۱۰ شاکی جدید به دفتر وکالت آقای «آلکسیس» مراجعه می‌کنند و این رشته سر دراز دارد. وکلای تیم او در عین حال مشغول جمع‌آوری و تنظیم پرونده پزشکی بیمارانی نیز هستند که در اثر ابتلا به بیماری سرطان ناشی از اورانیوم تاکنون جان خود را از دست داده و بستگان آنها شاکی هستند. جالب اینجاست که آقای «آلکسیس» و تیم‌اش هیچ‌گونه حق‌الزحمه‌ای از بیماران و بازماندگان شاکی دریافت نمی‌کنند. او در واقع آنها را از پرداخت هرگونه هزینه‌ای معاف نموده است.

«آلکسیس» در عین حال معتقد است که اگر دادگاه از دریافت

هزینه ۳۵۰ یورویی برای هر پرونده صرف نظر کند، تعداد بیش‌تری از بیماران نیز، که قادر به پرداخت آن نیستند، اقدام به شکایت خواهند کرد. بویژه بیماران ساکن جنوب صربستان، که در فقر شدید مالی به‌سر می‌برند و قادر به پرداخت چنین هزینه‌ای نیستند. هم‌اکنون بسیاری از بیماران سرطانی، که علت ابتلای خو را بمباران‌های اورانیومی ناتو می‌دانند و قصد شکایت دارند، منتظر اعلام تصمیم دادگاه صربستان درباره شکایات ارائه شده از دفتر وکالت «آلکسیس» هستند.

البته ناتو از هم‌اکنون اعلام کرده است: از آنجا که از مصونیت برخوردار است، نیازی به شرکت در دادگاه بلگراد نمی‌بیند، زیرا که در سال ۲۰۰۵ ناتو با صربستان بر سر یک قرارداد حمل و نقل توافق کرده که به امضای دو طرف نیز رسیده است. علاوه بر این صربستان به جمع «مشارکت برای صلح» (سند پیشنهادی «لیس اسپین»، وزیر دفاع آمریکا به ناتو در سال ۱۹۹۳ به عنوان مهم‌ترین مکانیزم فزاینده گسترش ناتو به شرق) نیز پیوسته است!؟ در صورتی که هیچ‌یک از دو قرارداد فوق‌الذکر اساساً ربطی به استفاده ناتو از بمب‌های اورانیومی در سال ۱۹۹۹ و عوارض بعدی جانکاه آن ندارد. قرارداد ترانزیت تنها مربوط به اجازه عبور نیروهای قوای ناتو در چارچوب «کافور» (نیروهای کوزوو) از کشور صربستان است. قرارداد «مشارکت برای صلح» نیز مربوط به همکاری صربستان با ناتو است. «آلکسیس» به درستی معتقد است که بمباران‌ها در سال ۱۹۹۹ صورت گرفته و قراردادهای فوق‌الذکر ۶ سال بعد به امضا رسیده‌اند که به هیچ عنوان شامل عطف به ماسبق نخواهند شد.

بهر تقدیر قرار است در پایان سال جاری دادگاه عالی صربستان به این شکایات رسیدگی کند. علت عقب‌افتادن دادگاه نیز درگذشت سرهنگ «دراگان استویچچ» است که به علت حضور ۲۸۰ روزه‌اش در جنگ ناتو علیه صربستان در مرز کوزوو-صربستان مبتلا به بیماری سرطان شده بود. او اولین فردی بود که علیه ناتو اقدام به شکایت کرد. اگر دادگاه عالی صربستان موفق شود ناتو را به دلیل ارتکاب جنایت علیه بشریت محکوم کند، شیپور بیداری مردم عراق و افغانستان، که در معرض همین نوع حملات قرار داشتند، نواخته خواهد شد و ناتو با سیل شاکیان برای دادخواهی مواجه خواهد شد.

منبع اطلاعات:
NachDenkSeiten

**با فساد همه‌گیر در دستگاه حاکمیت باید با شمشیر تیز
انقلاب مبارزه کرد**



دموکراسی دیکتاتوری!

فرانسه، این «مهد دموکراسی»، امروز به گواهی ماهیت راست‌روانه و عملکرد وحشیانه، سرکوبگرانه و دیکتاتور مابانه‌اش، تحت پوشش یک نظام سیاسی اقتدارگرا (آتوریته) به زعامت «مکرون» قرار گرفته است. هر حرکت اعتراضی، که ناشی از بیکاری، بی‌دورنمایی، بی‌آیندگی و به یک کلام فقر و فروستی است و یا بطور کلی با سیاست‌ها و قوانین نتولیبرالی به مقابله برخیزد، با سرکوب وحشیانه نیروهای پلیس مواجه می‌شود.

فرمان حمله و سرکوب وحشیانه پلیس به مردم مبارز و مقاوم علیه سیاست‌های نتولیبرالی «مکرون» را وزیر کشور وی «ژرار موسی دارمنن» از مقرر خود صادر می‌کند، همانی بود که در ۲۵ ماه مارس گذشته دستور شلیک ۵۱۰۰ نارنجک گاز اشک‌آور و شوک‌زا به سمت ۱۰ هزار تظاهرکننده محیط‌زیست را صادر کرد. کارشناسان معتقدند که برخی از این نارنجک‌ها در جنگ نیز مورد استفاده قرار می‌گیرند. همان سلاح‌هایی که علیه «جنبش جلیقه زردها» - که در ۱۷ نوامبر ۲۰۱۸ آغاز گردید - به کار گرفته شد و ده‌ها تن را زخمی کرد و باعث کشته شدن یک زن شد.

در سرکوب معترضان محیط‌زیست در ماه مارس، گذشته پلیس تحت فرمان جناب «دارمنن» بیش از ۲۰۰ تن را زخمی کرد که سه تن از آنها هنوز در حالت اغما به‌سر می‌برند.

کجایند آن طرفداران حقوق بشر تا از حق آزادی بیان و آزادی اجتماعات مردم معترض در فرانسه دفاع کنند؟ تو گویی سرکوب‌های دموکراسی‌های بورژوازی خود عین حقوق بشر است؟! برازنده‌ترین نامی که می‌توان بر این نوع دموکراسی‌ها نهاد، «دموکراسی دیکتاتوری» است!

ژاندارم‌های وزیر کشور به شدت راست‌گرایی «مکرون» حتی ساعت‌ها آمبولانس‌هایی را که برای نجات مصدومین و مجروحین آن تظاهرات در راه بودند، سد کردند و مانع نجات آنها شدند. اما همین جناب وزیر با وقاحت کم‌نظیری اعمال این وحشیگری‌ها را برای «حفظ جان مردم از گزند تروریست‌های محیط زیست»

اطلاعیه دریافتی از رفقای ایران

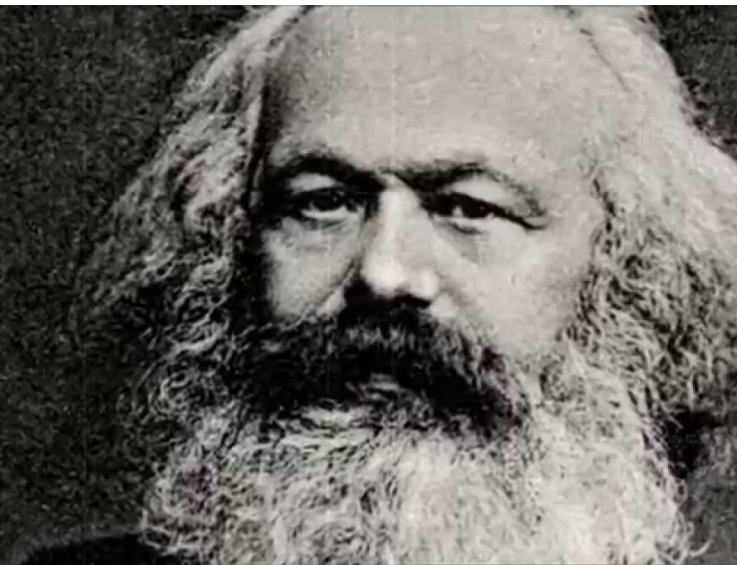
اول ماه مه، روز جهانی کارگر، بر همه کارگران و آزادیخواهان جهان فرخنده باد

یازده اردیبهشت ۱۴۰۲

چندین قرن است که علی‌العموم، بشریت در زیر سلطه نظام سرمایه‌داری روزگار سختی را می‌گذراند. سرمایه‌داری مساوی است با کسب سود و ثروت هر چه فزون‌تر که پایانی بر آن متصور نیست. طبقه سرمایه‌دار، یعنی مالکان و صاحبان ابزار تولید و نیروهای مولده، نسبت به جمعیت جهان، اقلیتی کوچک از جامعه بشری را تشکیل می‌دهند. کارگران و زحمتکشان و دیگر اقشار فرودست در جهان چندین میلیارد نفر را شامل می‌شوند. حقیقت آن است که صاحبان کارخانجات، صنایع، معادن، بانک‌ها، زمین‌ها، املاک، بیمه‌ها و مالکان موسسات خصوصی و تولیدی و غیره، خود و ثروت‌شان قادر به تولید چیزی نیستند! کار آنها مدیریت استثمار نیروی کار، یعنی کارگران و زحمتکشان و انباشت سرمایه است. تولیدکنندگان واقعی کسانی هستند که از نیروی عضلانی و از مغز خود، از مهارت و توانایی‌های خویش برای تولید کالا، غذا، مسکن، پوشاک، خدمات، آثار هنری و در پیشرفت و آبادانی کشور استفاده می‌کنند. تمام سرمایه‌های تریلیون دلاری ابر سرمایه‌داران جهان، بدون نیروی کار کارگران، کشاورزان، زنان خانه‌دار، کارمندان، پرستاران، تعمیرکاران، تکنسین‌ها، مهندسان و دیگر اقشار زحمتکش، نمی‌تواند یک خانه، یک ماشین و حتی یک کفش بسازند!

راز ثروتمندتر شدن سرمایه‌داران انگل صفت این است که خود کار نمی‌کنند، بلکه دیگران را وادار به کار می‌کنند و حاصل زحمت و دسترنج‌شان را به یغما می‌برند و این یعنی استثمار! نظام سرمایه‌داری، که تمام سرشت و ذات‌اش بر پایه سودجویی، طمع‌ورزی فردی و بر بنیاد بهره‌کشی و استثمار انسان از انسان بنا نهاده شده است و به چیزی جز «پول» نمی‌اندیشد، پدیده‌ای ضدانسانی و ضدطبیعت است و از تنها نیروئی که می‌ترسد، طبقه کارگر است، لذا در هراس از اتحاد و همبستگی کارگران، که خصم آشتی‌ناپذیر سرمایه است، تمام تلاشش تفرقه‌افکنی و پراکنندگی در صفوف متحد کارگران می‌باشد!

بر این اساس سزوار است که به مناسبت اول ماه مه، روز جهانی کارگر را، که جهانی‌عاری از ستم و استثمار را نوید می‌دهد، به همه کارگران و مبارزان راه آزادی تبریک گفت.



ادبیات مارکسیستی به زبان

مختصر و ساده

بنابر درخواست مکرر خوانندگان محترم «توفان الکترونیک» بر آن شدیم تا مفاهیم و مبانی فلسفه مارکسیسم را با زبانی ساده و قابل فهم برای عموم توضیح بدهیم. از اینرو هیأت تحریره نشریه «توفان الکترونیک» ستونی برای این امر اختصاص می‌دهد، تحت عنوان «ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده». با امید به اینکه بتوانیم از این طریق به نیاز خوانندگان این نشریه پاسخ داده باشیم.

«ماتریالیسم تاریخی» علم به قوانین عام تکامل جامعه انسانی است

جامعه انسانی بخشی از دنیای مادی است و لذا تابع قوانین عامی است که در دنیای مادی حکمفرماست. «ماتریالیسم تاریخی» بسط مفاهیم ماتریالیسم و دیالکتیک بر زندگی جامعه انسانی است، از اینرو «ماتریالیسم تاریخی» مشمول قوانین عام ماتریالیسم دیالکتیک است.

اگر جامعه انسانی و طبیعت دو بخش تفکیک‌ناپذیر دنیای مادی اند، معذالک از لحاظ کیفی با یکدیگر تفاوت فاحش دارند. به علت همین تفاوت کیفی، قوانین طبیعت را متعلق به هر بخشی از آن که باشد، نمی‌توان به جامعه بسط داد. چنانکه جامعه انسانی را با مقوله‌ها و قوانین علوم طبیعی و از آن جمله بیولوژی نمی‌توان سنجد، زیرا که پدیده‌های اجتماعی و پدیده‌های طبیعی از ریشه و در ماهیت خود با یکدیگر متفاوت‌اند. بدون شک جامعه از مناسبات بیولوژیک، مانند مناسبات مربوط به تولید مثل و توالی نسل‌ها و غیره عاری نیست، ولی ساختمان جامعه و تکامل آن به هیچ‌وجه بستگی به این مناسبات ندارد، بلکه پیرو قوانین خاصی است که از کیفیت جامعه انسانی برمی‌خیزد. کسانی که می‌کوشند قوانین

ملزم شمرد و توجیه کرد! او با گستاخی تمام نه تنها استفاده پلیس از ابزار جنگی علیه تظاهرکنندگان را حاشا کرد، بلکه اساساً منکر وجود خشونت پلیس در فرانسه شد. غافل از اینکه صدها عکس، ویدیو و هزاران شاهد عینی و بالاخره کوهی از پوکه‌های مهمات به کار گرفته شده از جانب پلیس گویای حقایق غیر قابل انکارند و نقاب از چهره دروغ‌گویان دغلكار نشسته بر مسند قدرت را می‌درند.

به یک کلام هدف وزیر کشور راستگرای «مکرون» استقرار دیکتاتوری در فرانسه است و بس. هدف او در درجه اول سرکوب و خنثی کردن نیروی چپ در فرانسه است که او آنها را «روشنفکران تروریست افراطی» می‌خواند. در این راستا او حتی به موسسه «لیگ حقوق بشر» این کشور، که از سال ۱۹۸۶ تشکیل شده است، رحم نکرد و آن را تهدید به لغو مجوز کرد. هدف از سرکوب او غیرقانونی شناختن هرگونه حرکت انتقادی در جامعه است، تا رژیم «مکرونیست» فرانسه بتواند با خیال راحت منافع خدایان نئولیبرال حاکم را تضمین کند. از این رو «مکرون» آگاهانه به سرکوب خونین مبارزان منتقد به قانون جدید بازنشستگی اخیر دست یازید.

در سرکوب وحشیانه چند ماه گذشته، که بیش از هزار زخمی به جای گذارد، نه تنها پلیس وحشی فرانسه، که گروه ضربتی نئوفاشیست نیز پا به پای پلیس شرکت داشتند. حضور عناصر دست‌راستی، نظیر «دارمانین» در دولت «مکرون» و هماهنگی با نیروهای ضربتی نئوفاشیست‌ها گواه این حقیقت‌اند که «امانوئل ماکرون» روز به روز بیش‌تر به راست و سیاست‌های فاشیستی روی می‌آورد. یکی از مشاورین «سارکوزی»، رئیس جمهوری اسبق فرانسه، اخیراً بیان داشت که «مکرون» «بهترین رئیس جمهوری راستگرای فرانسه است». او سرکوب و خشونت حکومت تحت فرمان «مکرون» نسبت به مخالفین قانون جدید بازنشستگی اخیر را گواهی بر صحت مدعای خود دانست.

تجربه سرکوب‌های خونین و فاجعه‌آمیز اخیر در فرانسه، این «مهد دموکراسی»!! نشان داد که دموکراسی آنها به ویژه در دوران نئولیبرالیسم حرف پوچی بیش نیست. نشان داد که یک حکومت بورژوازی امپریالیستی برای حفظ و ارتقاء منافع و مطامع سرمایه‌داران نئولیبرال، درصدد است تا با تاسی به منطق زور هرگونه مبارزه و مقاومت توده‌های مردم را وحشیانه سرکوب کرده و درهم شکنند و به این ترتیب عملاً چهره زشت دیکتاتوری بورژوائی را به وحشیانه‌ترین وجه به نمایش گذارد. به یک کلام نئولیبرالیسم به رژیم‌های اقتدارگرا نیاز مبرم دارد.

یکی از اهداف کارزار وحشیانه اخیر رژیم «مکرون» و وزیر کشور دست‌راستی‌اش علیه چپ بدون تردید ایجاد زمینه اتحاد میان دست‌راستی‌های فرانسه از «ماکرونیست‌ها» گرفته تا جریان «جمهوری خواهان» (بزرگترین حزب راست میانه فرانسه) و دست‌راستی‌های افراطی «جبهه ملی» فرانسه به رهبری «ماری لوپن» می‌باشد. (*Rassemblement National (RN)*) اما رشد مبارزات قهرمانانه کارگران، زحمتکشان، فرودستان و تهی‌دستان در این کشور نقشه شوم «ماکرونیست‌ها» و هم‌پیمانان‌اش را نقش بر آب خواهند ساخت.*

شعور، اراده و فعالیت آنهاست. ظاهرا در این گفته تضادی به نظر می‌رسد: از یکسو تکامل جامعه محصول شعور و اراده انسان‌هاست و از سوی دیگر محصول قوانین مستقل از ذهن انسان‌ها، یا باید تکامل جامعه را به ضرورت عینی نسبت داد، در این صورت جایی برای فعالیت آگاهانه انسان‌ها باقی نمی‌ماند، یا باید فعالیت آگاهانه انسان‌ها را پذیرفت، در این صورت جایی برای ضرورت عینی باقی نمی‌ماند. اما در واقع چنین تضادی وجود ندارد، زیرا عینی بودن قوانین تکامل جامعه به این معنی نیست که این قوانین مستقل از انسان‌ها و علی‌رغم آنها عمل می‌کنند، نه، این قوانین، قوانین فعالیت خود انسان‌هاست. ضرورت تاریخی در اینجا راه خود را از درون فعالیت آگاهانه انسان‌ها می‌گشاید. مثلا وقتی می‌گوئیم استقرار سوسیالیسم در جامعه بشر ضرورت تاریخی است، معنی‌اش این است که سرمایه‌داری طبقه پرولتاریا را آفریده و پیشرفت سرمایه‌داری تضادهای طبقاتی را حاد و حادتر می‌کند و این امر ناگزیر پرولتاریا را علیه بورژوازی و به خاطر سوسیالیسم به مبارزه می‌کشاند، زیرا سوسیالیسم یگانه راه رهایی پرولتاریا و توده‌های زحمتکش دیگر از بردگی اجتماعی است. بنابراین وقتی ما از ضرورت تاریخی سوسیالیسم سخن به میان می‌آوریم، ناگزیر ضرورت مبارزه پرولتاریا را علیه بورژوازی در مد نظر داریم، بنابر این استقرار سوسیالیسم در جامعه بشری تراوش ذهن یا محصول اراده این یا آن فرد نیست، زیرا متکی بر شرایط عینی جامعه است، نتیجه جبر کورکورانه هم نیست، زیرا مبارزه طبقاتی آگاهانه است که به ضرورت تاریخی استقرار سوسیالیسم تحقق می‌بخشد. بدین ترتیب «ماتریالیسم تاریخی» عینی بودن را با روحیه انقلابی پیوند می‌دهد عامل عینی را با عامل ذهنی درمی‌آمیزد.

«ماتریالیسم تاریخی» نشان می‌دهد که جامعه با وجود آنکه بغرنج‌ترین و پیچیده‌ترین بخش دنیای مادی است، معذالک مانند بخش‌های طبیعت قابل شناخت است و می‌توان آنرا با شیوه علمی بررسی کرد، قوانین حرکت و تکامل آن را دریافت. البته جامعه مانند طبیعت دارای انواع گوناگون پدیده‌ها و پروسه‌هاست که هر کدام موضوع علم خاصی را تشکیل می‌دهد. چنانکه علم اقتصاد سیاسی قوانین پیدایش و تکامل شیوه‌های مختلف تولید و جانشین شدن یک شیوه تولید را با شیوه دیگر بررسی می‌کند؛ علم حقوق قوانین پیدایش و تکامل اشکال دولت و حقوق را مورد مطالعه قرار می‌دهد؛ علم زیباشناسی از هنر و قوانین تکامل آن، از روابط هنر با واقعیت و نقش هنر در اجتماع گفتگو می‌کند، موضوع علم تاریخ تشریح و توضیح وقایع تاریخی مشخصی در این یا آن کشور در توالی زمانی آنها است و غیره.

«ماتریالیسم تاریخی»، برخلاف علوم اجتماعی، به مطالعه قوانین خاص این یا آن شکل پدیده‌ها و مناسبات اجتماعی مانند پدیده‌ها و مناسبات اقتصادی، هنری، حقوقی و غیره نمی‌پردازد، بلکه جامعه را به مثابه مجموعه‌ای واحد در کلیه روابط و جهات درونی آن و تأثیر متقابل این جهات بر روی یکدیگر در نظر می‌گیرد و عام‌ترین قوانین تکامل جامعه را به دست می‌دهد. موضوع ماتریالیسم تاریخی مطالعه این یا آن کشور، این یا آن خلق نیست، بلکه جامعه انسانی بطور کلی است. ماتریالیسم تاریخی معرفت به وجوه مشترک و قوانین عام زندگی اجتماعی و تکامل کلیه خلق‌هاست.*

علوم طبیعی و از آن جمله قوانین زیست‌شناسی را بر پدیده‌های اجتماعی انطباق دهند، در واقع تفاوت کیفی پدیده‌های طبیعی و زیستی را با پدیده‌های اجتماعی به دست فراموشی می‌سپارند یا نادیده می‌انگارند.

تفاوت اساسی جامعه با طبیعت در این است که پروسه‌ها و پدیده‌های اجتماعی نتیجه فعالیت و تکاپوی انسان‌هاست، انسان‌هایی که از روی شعور و اراده عمل می‌کنند و اعمال آنها به خاطر دست یافتن به هدف و مقصد معینی است. در طبیعت چنین کیفیتی مشاهده نمی‌شود. پدیده‌های طبیعت، پروسه‌هایی که در طبیعت به وقوع می‌پیوندند، نتیجه تأثیر علل و نیروهای است که در آنها شعور و اراده نقشی بازی نمی‌کند. به عبارت دیگر تاریخ طبیعت خود به خود، کورکورانه و تحت قوای قهری آن ساخته می‌شود، در حالی که تاریخ جامعه با دست انسان‌هایی که از شعور و اراده برخوردارند، بنا می‌گردد.

اگر تاریخ جامعه با دست انسان‌هایی ساخته می‌شود که دارای شعور و اراده‌اند و اعمال آنها برای نیل به هدف معینی است، در این صورت این طور به نظر می‌رسد که برای بررسی پدیده‌های اجتماعی کافی است انگیزه‌های انسان‌ها را در انجام اعمالشان بشناسیم و به هدف‌های آنان پی‌بریم، آنگاه معلوم می‌شود چرا انسان بدین گونه رفتار کرده و نه به گونه دیگر. اما این قسم بررسی پدیده‌های اجتماعی هیچ چیزی را روشن نمی‌سازد، زیرا که از یک سو هنوز معلوم نمی‌شود چه چیزی این یا آن انگیزه را در انسان به وجود می‌آورد و چرا انسان به دنبال این یا آن هدف روان می‌گردد، موضوعی که باید به نوبه خود مورد مطالعه قرار گیرد. از سوی دیگر اعمال انسان‌ها برای نیل به هدف معین غالبا با یکدیگر برخورد می‌کنند و نتیجه‌ای که از برخورد اعمال و هدف‌های انسان‌ها حاصل می‌آید، درست آن چیزی است که انسان‌های عمل‌کننده در برابر خود قرار نداده بودند. به عنوان مثال وقتی بورژوازی (سرمایه‌داری) با شعار آزادی، برادری، برابری، سیستم فئودالی را سرنگون کرد و حکومت خود را مستقر ساخت، هیچگاه به خاطرش هم خطور نمی‌کرد که فعالیت تولیدی وی ناگزیر به سلطه او خاتمه خواهد بخشید و سیستم دیگری، سیستم سوسیالیستی را به جای نظام بورژوائی خواهد نشانید. از اینجا این طور نتیجه می‌شود که انسان‌ها، با آنکه اعمالشان از روی شعور و اراده و به خاطر نیل به مقاصد معینی انجام می‌گیرد، معذالک تحت تأثیر نیروهای واقع می‌شوند که در خارج از اراده و شعور آنها عمل می‌کنند، تحت تأثیر قوانینی قرار می‌گیرند که مستقل از ذهن و اراده آنها عمل می‌کنند و ظاهرا به نظر می‌رسد که تاریخ جامعه نیز مانند تاریخ طبیعت کورکورانه و خود بخود ساخته می‌شود.

در واقع نیز چنین است. تکامل جامعه جبری است و بر طبق قوانین عینی جریان می‌یابد؛ یعنی قوانینی که خارج از حیطه اراده و شعور انسان‌هاست. انسان می‌تواند این قوانین را بشناسد و مورد استفاده قرار دهد، ولی نمی‌تواند آنها را از میان بردارد و لغو کند. آری، تکامل جامعه بر طبق قوانین عینی و مستقل از ذهن و اراده انسان‌ها جریان می‌یابد، علی‌رغم اینکه این تکامل محصول فعالیت انسان‌هایی است که از اراده و شعور برخوردارند و اعمالشان برای نیل به مقاصد عینی است. از این هم دقیق‌تر: قوانین تکامل جامعه نه تنها مستقل از شعور و اراده انسان‌هاست، بلکه تعیین‌کننده



گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش

پرسش: با سلام و خسته نباشید. اکثر احزاب سیاسی بین‌المللی ماهیت جنگی را که در گرفته است، جنگ میان روسیه و غرب، جنگ میان امپریالیست‌ها تفسیر می‌کنند و هر دو طرف را محکوم اعلام می‌دارند. به چه دلیل چنین اختلافاتی بروز کرده است و حزب کار ایران، که جنگ را از طرف روسیه تدافعی و عادلانه ارزیابی می‌کند، چگونه به این مسئله پاسخ می‌دهد. عادلانه بودن جنگ از طرف روسیه به چه معناست؟ ممنون از پاسخ‌تان! امضا. اسد از آنکارا

پاسخ: قبل از هر چیز تشکر از نامه‌تان. بلی! همینطور است که شما می‌گوئید! بسیار «از احزاب چپ سیاسی جنگ را از هر دو طرف محکوم می‌کنند، زیرا هر دو طرف دارای «ماهیت امپریالیستی‌اند». امپریالیسم، از نظر تئوری، همیشه امپریالیسم و غارتگر و جنگ طلب است. طرح چنین امری خودبه‌خود غلط نیست. اما اگر به‌پذیریم که جنگ همواره ادامه سیاست است، ولی به شکل دیگر، آنوقت دیگر این وزیر جنگ فلان کشور سرمایه‌داری یا امپریالیستی نیست که سیاست را تعیین می‌کند، بلکه وزیر امور خارجه و به دیگر سخن دولت پنهان سیاسی و شورای امنیت ملی کشورها هستند که لزوم یا عدم لزوم جنگ را تعیین می‌کنند. ما بحث اختلافات بر سر اوکراین را از دیروز شروع نکرده‌ایم، این بحث بازمی‌گردد به سال‌های دور، بویژه با آغاز «کودتای ناتو» در اوکراین در سال ۲۰۱۴. امپریالیسم غرب می‌خواهد اوکراین را رسماً تصرف کند تا روسیه را تجزیه و ببلعد و از پیشروی چین ممانعت به عمل آورد. آمریکا می‌خواهد سرکردگی «دلار» را حفظ کند و مانع گذار از جهان تک قطبی به جهان چند قطبی گردد. این، ماهیت جنگ را تعیین می‌کند و نه چیز دیگر. این جنگ ادامه سیاست امپریالیسم آنگلو ساکسن است. در اینجا بحث بر سر دو اردوی بزرگ امپریالیستی برای تقسیم جهان، برای برده

کردن ملل و تقسیم مجدداً جهان نیست. این جنگ را نمی‌شود ماهیتاً با دو جنگ امپریالیستی مقایسه کرد. در اینجا سخن بر سر تحلیل مشخص از شرایط مشخص است. آمریکا به سمت شرق رفته و می‌خواهد روسیه را اشغال و تجزیه کند. می‌خواهد ملت روسیه را به برده خود تبدیل کند. در اینجا صحبت بر سر رقابت نیست، بر سر اشغال و نابودی روسیه است و این واقعیت، که دولت روسیه انقلابی نیست، سرمایه‌داری الیگارشی است و دسترنج زحمتکشان را غارت می‌کند در درجه اول قرار ندارد؛ نه برای ما و نه برای آمریکا! مگر «بایدن» برای تأمین دسترنج زحمتکشان به روسیه وارد می‌شود. این درست مثل آن است که اگر امپریالیسم آمریکا به هلند و یا بلژیک حمله کرد تا این کشور را غارت کرده و نابود نماید، نیروهای مترقی مدعی شوند به ما مربوط نیست، جنگ میان دو امپریالیسم است. این تحلیل خارج از زمان و مکان و کتابی با واقعیات روز هیچ قرابتی ندارد. آمریکا برای تسلط بر جهان و بر اروپا به بلژیک حمله می‌کند در حالی که بلژیک از تمامیت ارضی و حق حیات خود دفاع می‌کند. مبارزه بلژیک بر ضد آمریکا عادلانه است، علی‌رغم اینکه امپریالیستی است. ما با این پدیده در زمان جنگ جهانی دوم، که یک جنگ جهانی بود، نیز روبرو بودیم. فرانسوی‌ها اعم از پرولتاریا تا بورژوازی حق داشتند بر ضد اشغالگران نازی مبارزه کنند. «دوگل» که نماینده بورژوازی امپریالیستی فرانسه در جنگ جهانی دوم بود، به پرچمدار مبارزه ملی علیه هیتلر نازی بدل شد. دولت‌های امپریالیستی فرانسه، انگلیس و آمریکا ناچار شدند در مقابل هیتلر نازی با اتحاد شوروی سوسیالیستی جبهه متفقین را بنا نهند و در مقابل فاشیسم بایستند. جنگ امپریالیستی به جنگ ضد فاشیستی تغییر کرد.

ما تجاوز آمریکا به افغانستان را علی‌رغم اینکه رهبری مبارزه مردم در دست طالبان بود، محکوم کردیم و از حقوق کشور افغانستان حمایت نمودیم. همانطور که از حقوق کشور عراق، لیبی، سوریه، مالی و سومالی ... حمایت کرده‌ایم صرف نظر از اینکه ماهیت حکومت آنها چه بوده است. متأسفانه پیچیدگی سیاست عده‌ای را بر آن می‌دارد تا کار خود را راحت کنند و با یک خط‌کشی ساده به مسائل مهم سیاسی پاسخ دهند که همواره به انحراف درغلتیده و در بهترین حالت نظاره‌گر مهم‌ترین تحولات سیاسی بوده‌اند. چنین سیاستی پاسخگوی تحولات اوکراین نیست. جنگ روسیه ظاهراً علیه اوکراین است. اما امروز همه حقایق آشکار شده و هر کودک دبستانی می‌داند جنگی که در گرفته است، جنگی میان روسیه، که خود را تحت محاصره ناتو و غرب می‌بیند، جنگی برای پیشگیری از پیشروی ناتو و حکومت نئونازی و فاشیست اوکراین است، از یکسو و از سوی دیگر نیروهای مقابل تحت رهبری آمریکا، که جنگ طلب‌اند و از نئونازیسم در اوکراین به دفاع برخاسته‌اند. تضعیف و شکست جبهه ناتو به نفع صلح و خلق‌های جهان است. پیروز باشید.*



باتوفان همراه شوید

@TOTOUFAN

پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام

پرسش: رفقای سخت کوش توفان! ضمن عرض سلام، امروز در تلویزیون‌های ایران و شبکه‌های خارج کشور بحث‌های زیادی در مورد مقوله «نئولیبرالیسم» خصوصی‌سازها و آزادسازی‌ها» بین شخصیتها و نظریه‌پردازان مختلف در جریان است. در یکسوی بحث افرادی نظیر موسی غنی نژادها قرار دارند که مدعی‌اند هیچ پست وزارتی و دولتی نداشته‌اند، اما بنظر می‌رسد پیرو نظرات تعدیل هاشمی رفسنجانی باشد و در جامعه بسیار نفوذ دارند. حزب شما چگونه این مقوله را تعریف می‌کند. آیا مبارزه با نئولیبرالیسم مبارزه با سرمایه‌داری نیز محسوب می‌شود؟ اگر آری؟ آیا شعار بر علیه کلیت نظام سرمایه‌داری شعار صحیحی در شرایط کنونی است؟ با تشکر. امضا محفوظ

پاسخ: رفیق عزیز! سیاس از نامه و پرسش بسیار مهم‌تان، باید عرض کنیم که «نئولیبرالیسم» جدا از سرمایه‌داری نیست، «نئولیبرالیسم»، سیاست جهانی‌سازی سرمایه در همه جهان است. امپریالیست‌ها در عرصه سیاست تهاجمی اقتصادی خویش از «بازار آزاد»، که هرگز وجود ندارد، سخن می‌رانند و آن را تبلیغ می‌کنند. در دوران انحصارات امپریالیستی، که سرمایه و نوع تولید کالا، تعیین بهای کالاها، منابع اولیه، بازار فروش و قدرت سیاسی ممالک زیر سلطه همه و همه در دست انحصارات است، تکیه به بازار «آزاد» بیش‌تر برای خاک پاشیدن به چشم مردم است، تا حمایت از رقابت «سالم» و «آزادانه» سرمایه‌داران. در دوران امپریالیسم انحصارات بر گورستان «رقابت آزاد» جان می‌گیرند و برای نابودی کامل آن با سرمایه‌های افسانه‌ای، به بازار پا می‌گذارند. «دولت»، آماج هجوم اقتصاد نئولیبرالی است. آنها می‌خواهند با سیاست «نظم‌زدائی» مسئولیت دولت‌ها را در اداره کشورها به جز نقش سرکوب‌گرانه آنها را به صفر برسانند و از دستگاه اداری در

ممالک زیر سلطه فقط یک ماشین سرکوب ایجاد کنند که مانع شوند حقوق کارگران و زحمتکشان به صورت یک حق قانونی تحقق یافته و تلاشی برای تحقق آن در عمل به وجود آید. سرمایه‌داران کلان انحصاری مخالف هرگونه حقوق برای کارگران هستند. آنها تلاش دارند تا تمام دست‌آوردهای طبقه کارگر را بعد از انقلاب کبیر اکبر و پس از کاهش قدرت جنبش کارگری از بین ببرند. سیاست نظم‌زدائی به مفهوم سلب حقوق دموکراتیک و مطالباتی همه مردم و به ویژه زحمتکشان است. تبلیغات آنها این است که «دولت‌ها» سرمایه‌داران خوبی نیستند و تنها سرمایه‌داران به علت انگیزه مالکیت و کسب سود بیش‌تر است که از حیف و میل دارائی جلوگیری و استفاده بهینه از آنها عرضه می‌کنند.

فرب آنها زمانی روشن‌تر می‌شود که ما به رویدادهای زندگی مراجعه کنیم. سقوط بازارهای بورس، ورشکستگی همه بانک‌های خصوصی، کیفیت نازل خدمات شرکت‌های خصوصی‌شده، نظیر «پست»، «راه آهن» و... نشان دادند که سرمایه‌های خصوصی برای حفظ سود خصوصی خود از چه نیروی تبهکارانه غیر قابل‌نظارتی برخوردارند. با تبلیغ سیاست «خصوصی‌سازی» تمام اموال عمومی، ثروت‌های مردمی با قیمت‌های نازل به سرمایه‌داران انحصاری خارجی در درجه اول فروخته می‌شود. آب‌ها، جنگل‌ها، زمین‌های مزروعی، جاده‌ها، پست، راه‌آهن، ناوگان هوایی، حتی بخشی از خدمات امنیتی، ایمنی و انتظاماتی در اختیار شرکت‌های خصوصی خدمات ایمنی قرار می‌گیرند. بخشی از ارتش به عنوان ارتش حرفه‌ای و یا زیر عنوان شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی، که مزدوران، آدمکش بین‌المللی هستند، عرضه می‌گردد و نظام وظیفه عمومی منحل می‌گردد. در ارتش حرفه‌ای خصوصی خارجیان نیز می‌توانند سلاح حمل کنند.

در اثر این سیاست، هوا، معادن، سواحل دریاها، جزایر، ساختمان‌های بزرگ عمومی، مدارس، دانشگاه‌ها، بهداشت و درمان، بیمه‌ها و... همه و همه به صورت مالکیت خصوصی درمی‌آیند. مردم ممالک مفروض در کشور خودشان بیگانه هستند و به ثروت‌های تولیدشده توسط معادن و دریاها و جنگل‌ها و... دسترسی نخواهند داشت. نیروی پلیس بومی و یا بین‌المللی مطالبات مردم در این زمینه‌ها را سرکوب خواهد کرد. سرمایه‌داران خصوصی بعد از غارت ممالک با به جای گذاردن زمین سوخته، خاک این کشورها را ترک می‌کنند، بدون اینکه برای مردم این کشورها ثروتی تولید کرده باشند. مردم این کشورها همیشه به صورت کشورهای مقروض باقی می‌مانند و دول دست‌نشانده این ممالک مراقبت‌های لازم را فراهم می‌آورند، تا اقساط بدهکاری‌های مردم سر موعده پرداخت شود. نئولیبرالیسم با برنامه خصوصی‌سازی ثروت‌های عمومی، که همان تشدید بهره‌کشی و استعمار بی‌شرمانه است، برخلاف ادعاهایش دموکراسی ایجاد نمی‌کند، بلکه بدترین نوع استبداد، غارت، سرکوب و وابستگی را در این جوامع به

می‌گردد. استعمار جهانی در این کشورها نفوذ کرده و بیابان برهوت باقی خواهد گذارد.

به همین جهت مقاومت مردم افزایش می‌یابد و دولت‌های دست‌نشانده این مقاومت و اعتراضات را با سرکوب پاسخ می‌دهند.

برای تحقق سیاست‌های نئولیبرالی باید به «تعدیل ساختاری» دست زد و تسلیم مکانیسم بازار شد. بر اساس این تئوری ورشکسته دولت باید از دخالت در امور اقتصاد دست برداشته و این عرصه را به گران سرمایه‌دار واگذارد. گویا این خود بازار کور و هرج و مرج تولید است که توازن اقتصادی را مستقر می‌سازد. نئولیبرال‌ها با تئوری «بازار آزاد»، که هیچوقت «آزاد» نبوده و همیشه تابع منافع قدرت‌های جهانی بوده است، با هدف فتح بازارهای ملی دیگران هجوم می‌آورند. آنها «بازار آزاد» را برای دیگران موعظه می‌کنند، ولی دروازه بازارهای خود را به روی کالاهای رقیب می‌بندند و یا با توجه به سطح رشد صنایع و کیفیت کالاهایشان عملاً آزادی رقابت در بازار آزاد را به حرف پوچ و عوامفریبانه‌ای بدل می‌سازند. نئولیبرال‌ها با اقتصاد هدفمند و با نقشه دولتی به شدت مخالف‌اند. آنها تبلیغ می‌کنند که باید از دادن یارانه و کمک‌های مالی به طبقات کم درآمد که یک اقدام دولتی و دخالت دولت در تولید است و رقابت «آزاد» را از بین می‌برد، خودداری کرد تا به مصداق «به مرگ بگیر تا به تب راضی شود»، مردم در نهایت فقر و نیاز خود مجبور شوند به بدترین شرایط بهره‌کشی خارجی تن در دهند. «ریاضت اقتصادی» که آنها نظریه‌اش را تبلیغ می‌کنند، به همین مفهوم است که به عموم مردم باید به قدری گرسنگی و تشنگی داد و از حداقل امکانات زندگی محروم‌شان کرد که حاضر شوند در بدترین شرایط بهره‌کشی ضدانسانی به هر کار و به هر خفتی تن در دهند تا سود سرمایه‌دار خارجی تأمین گردد. «آزادی بازار» سرمایه‌امپریالیستی، آزادی بهره‌کشی بی‌رحمانه انسان‌ها را به دنبال دارد. امپریالیسم از این نوع آزادی دفاع می‌کند. باید بهای بنزین و مواد سوخت لازم برای مصرف شهروندان و تولید را، که با دخالت دولت تعیین می‌شود، شناور کرد و در اختیار رقابت و عرضه و تقاضای بازار گذارد و از دادن یارانه به مواد سوخت آن خودداری ورزید؛ باید به تبلیغ روحیه فردگرایی و سودپرستی و خودپرستی در مقابل فرهنگ انسانی جمعی دست زد؛ باید هویت فردی را در مقابل هویت جمعی قرار داد، فرد را به جنگ جمع فرستاد و شرط تحول اجتماعی را موفقیت‌های فردی جا زد؛ باید انسانها را به گرگ یکدیگر بدل کرد و این نظریه را در پوششی از تبلیغات «محسنات» منش فردی و آرمان‌های فردگرایانه و «مهارت‌های فردی» و «خدادادی» و استعدادهای «ذاتی» پوشاند و تبلیغ در مورد «فردگرایی» را به منزله امری مقدس، که اسلحه‌ای برای مبارزه با مفاهیم ماهیتاً طبقاتی اجتماعی است، به پیش کشید؛ باید کار جمعی و اجتماعی و احساس هم‌سرنوشتی و انسانی را تقبیح کرد و آن را نفی «آزادی فردی» و گزینش «یک آقا بالا

کار می‌گیرد. با این سیاست همه چیز به صورت کالا درمی‌آید. حتی اعضاء بدن را می‌شود در بازار آزاد سرمایه‌داری، «آزادانه» و «دموکراتیک» خرید و فروش کرد، ولی در قانون اساسی برای فریب مردم ذکر نمود که «حیثیت انسانی خدشه بردار نیست».

سیاست خصوصی‌سازی، مولد قساوت و تشدید نابرابری ثروت است و به شکاف عمیق‌تر طبقاتی و فقر عمومی مردم منجر می‌شود. این سیاست دارای دو نقش و دو تأثیر در ممالک سرمایه‌داری پیشرفته غربی و در ممالک سرمایه‌داری زیر سلطه و یا وابسته از نظر اقتصادی است. در این سیاست اقتصادی، توزیع ثروت همواره بر اساس قدرت و نفوذ سرمایه صورت می‌گیرد. سرمایه‌داری هرگز برای رفاه عمومی و بهبود شرایط زندگی مردم دست به تولید نمی‌زند، بلکه در پی کسب سود حداکثر است. ساز و کار سامان سرمایه‌داری چنین اجازه‌ای را اساساً نمی‌دهد که سرمایه‌دار معینی از قدرت رقابت خود در مقابل دشمن اقتصادی‌اش بخاطر دلسوزی برای مردم بکاهد و به فکر زندگی و رفاه عمومی مردم باشد. در ممالک امپریالیستی و سرمایه‌داری اردوگاه غرب، دولت‌های معروف به «دولت‌های رفاه» جای خود را به سرعت با دولت‌های کارگزار بی‌نقاب انحصارات جایگزین کرده و دست سرمایه‌های کلان را در بلعیدن سرمایه‌های کوچک و غیر قابل رقابت بازمی‌گذارند. بازارهای این کشورها به محل تاخت و تاز سرمایه‌داران کلان انحصاری بدل می‌شود که درجه بهره‌کشی از انسان‌ها را تشدید می‌کنند. سرمایه‌داری کلان و انحصاری خارجی برای نفوذ در این کشورها و چیرگی بر بازارهای آنها خواهان نقض و نادیده گرفتن توافقنامه‌های جهانی‌ای می‌شوند که در کشور خودشان موجبات افزایش بهای کالاها را به دنبال داشته و از قدرت رقابت آنها در بازار «آزاد» می‌کاهد. سیاست آنها به مصداق «بعد از مرگ من چه دریا چه سراب» به دنبال سود فوری کلان و حداکثر هستند. پیمان‌های جهانی در مورد حفظ محیط‌زیست، حقوق کارگران، زنان، کارمندان در زمینه بیکاری، بیمه‌های درمانی، کمک هزینه ایام بارداری از تأمین اجتماعی، کار کودکان، حق اعتصاب کارگران و کارمندان و... به زیر پا گذارده می‌شوند و دولت کارگزار، مسئول حفظ سود سرمایه‌داران کلان است و باید متعهد شود که برای سرمایه انحصاری طرف قرارداد، این سود را تأمین کند. در این تاخت و تازها ممالک سرمایه‌داری کوچک به زائده ممالک سرمایه‌داری بزرگ بدل می‌شوند و استقلال سیاسی خویش را از دست می‌دهند. در ممالک تحت سلطه و وابسته از نظر اقتصادی، که فاقد سرمایه‌های کلان و صنایع قابل رقابت هستند، خصوصی‌سازی‌های سازمان تجارت جهانی تنها منجر به غارت این ممالک و تشدید استثمار زحمتکشان می‌گردد. دولت در این ممالک دیگر «منافع ملی کشور خودی» را در نظر نمی‌گیرد، بلکه حمایت از منافع ملی کشور سلطه‌گر را وظیفه خویش می‌داند و به عامل بومی مستقیم استعمار جهانی بدل

اروپایی برای خروج از اتحادیه اروپا نیز همین خصلت را دارد و برای جلوگیری از اعمال «سیاست‌های نئولیبرالی اتحادیه اروپا و مخالفت به قانونیت بخشیدن به خصوصی‌سازهای و سیاست‌های ریاضت اقتصادی است. مبارزه طبقه کارگر در چنین شرایطی یک مبارزه تدافعی است برای حفظ دست‌آوردهای دمکراتیک و تاریخی‌اش که در صورت تداوم و سرگردگی حزب سیاسی طبقه کارگر می‌تواند در نهایت کل نظام سرمایه را به‌زیرکشد. در ایران هم مانند شیلی و اکوادور و عراق و کلمبیا و فرانسه ... اجرای سیاست‌های نئولیبرالی دمار از روزگار مردم درآورده و از همین رو است که دانشجویان و کارگران آگاه ایران پرچم مبارزه علیه سیاست‌های نئولیبرالی را برای حفظ دست‌آوردهایشان برافراشته‌اند. مخالفت با خصوصی‌سازی کارخانه نیشکر هفت تپه و سایر شرکت‌های دولتی دارای خصلت ضدنئولیبرالی و مخالفت با انتقال منابع عمومی و ملی به افراد سرمایه‌دار است و این سیاست نمی‌تواند به نفع توده کارگر باشد. متوقف کردن سیاست نئولیبرالی هنوز به معنای الغای مناسبات استثمار نیست و نمی‌تواند باشد، بلکه برای تعدیل و کاهش فشار بر طبقه کارگر و حفظ حقوق تعیین شده و مهار سرمایه و ادامه مبارزه طبقاتی در شرایط دیگر برای تجدید قوا و آماده کردن خویش برای نبردی دیگر است. عدم درک صحیح از مقوله نئولیبرالیسم و یا انکار چنین سیاستی در ایران در قالب راست و یا طرح شعار کودکانه «تعرض به کلیت سرمایه» و خیز برداشتن برای کسب «قدرت شورائی» بدون در نظر گرفتن توازن قوای طبقاتی و تشکل نیرومند کمونیستی، یعنی حزب واحد طبقه کارگر، یک سیاست چپ‌روانه است و اثرات مخربی بر مبارزه طبقه کارگر خواهد گذاشت و فرجامی جز شکست در انتظارش نخواهد بود.

نظام حاکم در ایران نظام سرمایه‌داری است و تشدید اختلافات جناح‌های سرمایه‌داری نتیجه بن‌بست نظامی است که سیاست تعدیل ساختاری را نزدیک به چهار دهه در ایران به اجرا در آورده و جامعه را به فقر و فلاکت کشانده است. تناقضات سیاست‌های جناح‌های قدرتمند سیاسی در عرصه داخلی و بین‌المللی نظام را فلج کرده است. هواداران امپریالیسم غرب و حامیان «هاشمی رفسنجانی» راه خروج از بن‌بست کنونی را سرسپردگی به غرب و آزادسازی تام و تمام اقتصاد ایران و تعمیق خصوصی‌سازی‌ها و لغو «اقتصاد دستوری» تعریف می‌کنند و در عرصه داخلی عملاً دست بالا را دارند. جناحی از رژیم راه خروج از این وضعیت و حفظ نظام سرمایه‌داری اسلامی را با سیاست گردش به شرق و همکاری در «پیمان دوستی شانگ‌های» و «بریکس» و غیره... تعریف می‌کند، اما در عمل و در عرصه داخلی در دام سیاست‌های نئولیبرالی گرفتار است و خواست و توان مقابله با حریف مقابل و نیرومند غربگرا، تحت رهبری «غنی‌زاد»ها را ندارد و در چنبره بحران دست و پا می‌زند. ادامه چنین سیاستی نتیجه‌ای جز طغیان کارگران و زحمتکشان علیه نظم موجود ندارد. پیروز باشید *

سر اجتماعی»، که در همه موارد تصمیمات تحمیلی و اشتباه می‌گیرد، قلمداد نمود؛ باید چماق «آزادی فردی» را در مقابل **همبستگی اجتماعی**، تقدیس «بازار آزاد» و «مالکیت خصوصی وسائل تولید» را در مقابل انحلال ارزش‌های جمعی و مالکیت جمعی و حتی در مقابل سیاست نظارت دولت با هدف برنامه‌ریزی در امر اقتصاد سرمایه‌داری قرار داد؛ باید تبلیغ کرد که «دست نامرئی» بازار، محرک اقتصاد بوده و توازن جهان را سامان می‌دهد و به نیروی دولت، اجتماع و نظارت آنها نیازی نیست، آنچه به آن نیاز است، آزامندی آزادانه و قدرت طلبی بی‌حد و مرز فردی است که برای همه جامعه «مفید» است. «نئولیبرالیسم» دشمن دولت‌های رفاه و الگوی سوسیال دموکراسی قبل از فروپاشی رسمی شوروی ظاهراً «سوسیالیستی» بود. «مارگارت تاچر»، نخست وزیر اسبق بریتانیا، که مدافع سرسخت اقتصاد نئولیبرالی بود، می‌گفت: «چیزی به عنوان جماعت وجود ندارد. جامعه تجمع مردان و زنان منفرد است و البته خانواده آنها».

«نئولیبرالیسم»، تجارب و آموزه‌های مبتنی بر دخالت دولت، جهت عقلانی و بهینه‌سازی روند اقتصاد سرمایه‌داری را، سد پویایی اقتصادی اجتماع جا می‌زد. البته نباید فراموش کرد که آنچه نئولیبرال‌ها به صورت زبانی می‌گویند، با نیات باطنی آنها مغایر است. آنها به دولت و نیروی متمرکز و سرکوبگر برای حفظ منافع اساسی و هستی خویش همیشه نیاز داشته و دارند. در هیچ کشور جهان، که این نئولیبرال‌ها دست بالا را دارند، شما شاهد حذف ارتش و قوای سرکوبگر دولتی نیستید و دقیقاً با خلاف آن مواجهید. همین نئولیبرال‌ها، که «ضد دخالت دولت» و «برنامه‌ریزی دولتی» هستند، آنجا که به دخالت دولت نیاز باشد، تا منافع اقتصادی و طبقاتی آنها را حفظ کند، فوراً مدافع حضور و نظارت دولت می‌شوند و رنگ عوض می‌کنند. در زمان بحران مالی جهانی و ورشکستگی بانک‌ها، آنها دست به دامان دولت‌های خودی برای نجات خویش شدند و این دولت‌ها بودند که راهزنانه از کیسه مردم بدون رضایت آنها به صورت دیکتاتورمنشانه سامان سرمایه‌داری مالی را موقتاً نجات دادند. نظریه تکفیر دخالت دولت در امور اقتصاد، لالائی برای مردم آزاد است.

همانطور که اشاره رفت «نئولیبرالیسم» تعرض سرمایه انحصاری در اشکال جهانی به دست‌آوردهای طبقه کارگر در شرایط ضعف جهانی جنبش کمونیستی است؛ به عبارت دیگر مبارزه علیه «نئولیبرالیسم» در شرایط کنونی مبارزه‌ای تدافعی علیه تعرض سرمایه است و نه تعرض جهت الغای مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و استقرار بلاواسطه و فوری سوسیالیسم. حفظ اموال عمومی و احترام به قوانین دمکراتیک بعنوان دست‌آوردهای طبقه کارگر در قانون اساسی و وادار کردن دولت به وظایفش در قبال مردم و ممانعت از خصوصی‌سازی‌ها مبارزه این دوره از طبقه کارگر است که اقشار وسیع‌تری را به دور خود گرد می‌آورد. مثلاً مبارزه طبقه کارگر در ممالک



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کارایران (توفان)
facebook.com/hezbekar.toufan					*	فیسبوک حزب کارایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کارایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کارایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب

POSTBANK

bank code 20110022

bank account No.: 2573 3026 00

IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

P.O. BOX 1138

D64526 Mörfelden-Walldorf

E-Mail: toufan@toufan.org

Fax: 00496996580346